



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان بر خوار

موضوع:

## نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی

استاد راهنما:

سرکار خانم داودی

استاد داور:

حاج آقا برقی کار

پژوهشگر:

هاجر حیدریان

تابستان ۱۳۹۴

بسمه تعالی

..... تحقیق پایانی با موضوع : .....

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: هاجر حیدریان

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد

..... ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹ ، با کسب رتبه .....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم داودی

..... استاد داور: .....

..... مدرسه علمیه: .....

امضاء مدیر و مهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان بر خوار

موضوع:

## نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی

استاد راهنما:

سرکار خانم داودی

استاد داور:

حاج آقا برقی کار

پژوهشگر:

هاجر حیدریان

تابستان ۱۳۹۴

## با سپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم ...

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم ...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند ...

پدرانمان، مادرانمان، استادانمان

## تقدیم به:

ساحت مقدس امام محمدباقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام)

## چکیده

تبلیغ و دعوت به سوی ارزش ها، وظیفه ی همگانی و همیشگی مسلمانان و دارای اهمیت است. و لکن وظیفه ی مبلغ در این امر فراتر از صرف رساندن یک پیام خاص به گوش مخاطبان می باشد. او باید با تمهیدات لازم و دقیق، به گونه ای عمل نماید تا تاثیرات لازم را نیز بر گیرنده پیام بگذارد.

در این میان اخلاق مبلغ از موارد موثر امر تبلیغ می باشد، به این صورت که با رعایت اخلاق فردی و اجتماعی زمینه پذیرش هرچه بهتر آموزه های دینی را فراهم می نماید.

از جمله یافته های این تحقیق این است که فرد مبلغ با رعایت توجه به اخلاق فردی با نیت خالص و در کمال فروتنی و تواضع و با برنامه ریزی هدفمند، با رعایت آراستگی و با درایت کامل در تمام سخنان و تبلیغات خود پیشگام در عمل باشد. به عنوان نمونه مبلغی که با رعایت نکردن نظم و برنامه ریزی در امور و با امروز و فردا کردن یا با شتاب بی جا، کار تبلیغ خود را با نظم دنبال نکند، تبلیغ او در ترویج و توسعه ی آموزه ها موثر نخواهد شد.

همچنین نسبت به اخلاق اجتماعی با رعایت خوش خلقی و با رأفت و دلسوزی و عفو و گذشت به نصیح و خیرخواهی افراد پرداخته و با صبر و استقامت و طلب شرح صدر نسبت به زمان و شرایط به ترویج آموزه های دینی در اجتماع بپردازد تا تبلیغی موثر را نتیجه دهد.

مثلاً خوش خلقی و گشاده رویی مبلغ در اثر بخشی سخن و عمل او بر دیگران اثری شگفت دارد و رعایت نکردن آن نتیجه معکوس در جلب افراد به آموزه های دینی خواهد داشت.

**کلیدواژه ها:** اخلاق، مبلغ، تبلیغ، آموزه های دینی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
بخش اول: کلیات و مفاهیم	
فصل اول: کلیات تحقیق	
۵.....	۱-۱. تعریف و تبیین موضوع
۵.....	۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق
۶.....	۳-۱. اهداف و فوائد تحقیق
۶.....	۴-۱. پیشینه موضوع تحقیق
۷.....	۵-۱. سوالات تحقیق
۷.....	۶-۱. فرضیه تحقیق
۸.....	۷-۱. روش تحقیق
۸.....	۸-۱. ساختار تحقیق
۸.....	۹-۱. واژگان کلیدی
۹.....	۱۰-۱. محدودیتها و موانع تحقیق

## فصل دوم: مفهوم شناسی

۱۱.....	۱-۲. مفهوم شناسی واژه اخلاق
۱۱.....	۱-۲. مفهوم لغوی واژه اخلاق

- ۲ ۶ ۲. مفهوم اصطلاحی واژه اخلاق ..... ۱۲
۱. صفت راسخه و پایدار نفسانی ..... ۱۲
۲. صفات نفسانی ..... ۱۳
۳. فضائل اخلاقی ..... ۱۴
۴. نهاد اخلاقی در زندگی ..... ۱۴
۵. نظام رفتاری حاکم بر افراد ..... ۱۴
۶. علم و مجموعه قواعد برای رسیدن به نیکوکاری ..... ۱۵
۷. حکمت عملی و علم تهذیب ..... ۱۶
- ۲ ۶ ۲. انواع اخلاق ..... ۱۷
- ۱ ۶ ۲. اخلاق فیلسوفانه یا اخلاق سقراطی ..... ۱۷
- ۲ ۶ ۲. اخلاق عارفانه ..... ۱۸
- ۳ ۶ ۲. اخلاق حدیثی ..... ۱۸
- ۳ ۶ ۲. واژه مبلغ ..... ۲۰
- ۴ ۶ ۴. کلمات مرتبط ..... ۲۰
- ۱ ۶ ۴. تبلیغ ..... ۲۰



۲۱.....	۲	۴	۲. دین.....
۲۳.....	۳	۴	۲. اعلام.....
۲۳.....	۴	۴	۲. نصیح.....
۲۴.....	۵	۴	۲. امر به معروف و نهی از منکر.....
۲۴.....	۶	۴	۲. انذار.....
۲۴.....	۷	۴	۲. اخلاق تبلیغ.....
۲۵.....	۸	۴	۲. رابطه اخلاق با آموزه های دینی.....

بخش دوم: نقش اخلاق فردی و اجتماعی مبلغ در ترویج آموزه های دینی

#### فصل اول: نقش اخلاق فردی مبلغ

۲۹.....	۱	۶	۱. اخلاص.....
۳۷.....	۲	۶	۱. تواضع و فروتنی.....
۴۱.....	۳	۶	۱. نظم و وقت شناسی.....
۴۵.....	۴	۶	۱. آراستگی.....
۵۰.....	۵	۶	۱. درایت و بصیرت.....
۵۶.....	۶	۶	۱. پیشگامی در عمل.....

فصل دوم: نقش اخلاق اجتماعی مبلغ

۱. خوش خلقی و گشاده رویی.....۶۲
۲. سعه صدر .....۶۷
۳. صبر و بردباری.....۷۱
۴. عفو و گذشت.....۷۵
۵. نصیح و خیرخواهی .....۸۱
۶. مردمی و دلسوز بودن.....۸۴
- نتیجه گیری.....۸۹
- منابع و مآخذ.....۹۰

## مقدمه

هدف از خلقت و بعثت انبیاء هدایت انسان ها به سوی کمال و بندگی خدای متعال می باشد. بدون شک علما و مبلغین اسلام نیز به تاسی از پیامبر و پیشوایان الهی موظف بر رشد و هدایت انسان ها در این راه و ترویج و توسعه ی آموزه های دینی می باشند.

بنابراین مبلغ برای رسیدن به هدف مذکور نیازمند داشتن شرایطی در محتوای تبلیغ و شرایطی در رابطه با مبلغ می باشد که در نتیجه ی ایجاد این شرایط، تبلیغ موثری خواهد داشت و در صورت فقدان هر کدام از این شرایط به هدف مذکور لطمه زده و نتیجه ای معکوس رخ خواهد داد.

از این دو دسته شرایط فوق (تبلیغ و مبلغ)، آنچه مربوط به شخص مبلغ می شود از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. در نتیجه این سوال مطرح می شود که وجود چه ویژگیهایی در مبلغ به همراه محتوای پیام، تبلیغ را به بهترین وجه ممکن می رساند.

این تحقیق به دنبال آن است که با تکیه بر شرایط اخلاق مبلغین به عنوان یکی از اصلی ترین شرایط تبلیغ بر نقش آن در ترویج آموزه های دینی بپردازد.

از آنجا که در اثر گذر زمان گسترش تبلیغات انحرافی و ضد اسلام و تشیع و نفوذ فرهنگ بیگانگان نسبت به عقاید جوامع مسلمانان بیشتر شده است، وظیفه ی مبلغ به خصوص نسبت به اقشار ضعیف جامعه (مادی و معنوی) در ترویج آموزه های دینی بیش از پیش سنگین تر شده، بنابراین باید بکوشد تا با رعایت تمام جوانب اخلاق، بر جذب حداکثری آنان نسبت به انجام آموزه های دینی، بپردازد.

همچنین از آن جا که در جوامع امروزی برخی از افراد مبلغ با شرایط اخلاقی یک مبلغ آشنایی کامل نداشته و در تبلیغات خود به نتایجی معکوس و بر خلاف نیت خود رسیده اند، به نظر می رسد که تحقیقی در زمینه ی نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی، مبلغین را بیش از پیش به وظیفه ی خود آشنا کرده در تاثیر تبلیغ آن ها مفید واقع شود.

از جمله یافته های این تحقیق که در دو شاخه فردی و اجتماعی خلاصه می شود این است که فرد مبلغ با نیت خالص و در کمال فروتنی و ساده زیستی و با برنامه ریزی هدفمند، با رعایت آراستگی و با درایت کامل در تمام سخنان و تبلیغات خود پیشگام در عمل باشد.

همچنین با رعایت خوش خلقی و با رأفت و دلسوزی و عفو و گذشت به نصیح و خیرخواهی افراد پرداخته و با صبر و استقامت و طلب شرح صدر نسبت به زمان و شرایط به ترویج آموزه های دینی در اجتماع پرداخته تا تبلیغی موثر را نتیجه دهد.

مطالب این نوشته با روش کتاب خانه ای به دو بخش تقسیم شده: بخش اول در دو فصل، کلیات تحقیق و مفهوم شناسی واژه های اخلاق، مبلغ، اخلاق تبلیغ و کلمات مرتبط با آن می پردازد و بخش دوم در دو فصل نگاشته شده که در فصل اول اخلاق فردی مبلغ و نقش آن در ترویج آموزه های دینی بیان شده و در فصل دوم به اخلاق اجتماعی مبلغ و نقش آن در ترویج آموزه های پرداخته شده است.

**بخش اول: کلیات و مفاهیم**

**فصل اول: کلیات**

**فصل دوم: مفهوم شناسی**

## فصل اول: کلیات تحقیق

۱. ۱. تعریف و تبیین موضوع
۲. ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق
۳. ۱. اهداف و فوائد تحقیق
۴. ۱. پیشینه موضوع تحقیق
۵. ۱. سوالات تحقیق
۶. ۱. فرضیه تحقیق
۷. ۱. روش تحقیق
۸. ۱. ساختار تحقیق
۹. ۱. واژگان کلیدی
۱۰. ۱. محدودیتها و موانع تحقیق

## ۱-۱. تعریف و تبیین موضوع

ترویج آموزه های دینی و ترسیم درست این آموزه ها به منظور ایجاد آمادگی در افراد جهت عمل کردن به این آموزه ها یکی از رسالت هایی است که بر دوش مبلغین است تحقق این هدف و رسیدن به این منظور نیازمند داشتن شرایطی در محتوای تبلیغ و شرایطی در رابطه با مبلغ می باشد. فقدان هر کدام از این شرایط به هدف مذکور لطمه زده و آسیب وارد می کند. به عنوان مثال اگر محتوای تبلیغ همراه با توهین باشد طبیعی است که نمی توان انتظار مطلوبی از اثربخشی این محتوا داشت. چنانچه اگر مبلغ در مقام عمل بر خلاف آنچه می گوید عمل کند همین اتفاق معکوس رخ می دهد از بین دو دسته شرایط فوق (تبلیغ و مبلغ) آنچه مربوط به شخص مبلغ می شود از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. این تحقیق به دنبال آن است که به نقش اخلاق مبلغین به عنوان یکی از اصلی ترین شرایط تبلیغ در ترویج آموزه های دینی بپردازد. که می تواند تحت عنوان اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

دعوت الهی و تربیت معنوی از دیدگاه اسلام مهمترین رسالت یک مبلغ دین است. مبلغ شایسته از منظر دین باید واجد خصوصیات و ویژگی هایی باشد تا بتواند ضمن آموزش به پرورش انسان ها هم نائل شود. هم چنین طبق آیات و روایات متعدد هم جایگاه بسیار رفیعی برای مبلغ و پیام رسان دین ذکر شده و هم مسئولیتی خطیر برای او در نظر گرفته شده، تا بتواند همانند انبیا به تربیت صحیح اسلامی بپردازد. و حال که مبلغان دین چنین وظایف سنگینی برعهده دارند لازم است به نکات دقیق و شرایط متعددی که برای آن ذکر شده را در نظر داشته باشند که از جمله این شرایط اخلاق مبلغین می باشد که

رعایت آنها تأثیر به سزایی در نفوذ و به ثمر نشستن فعالیت های تبلیغی و در نتیجه پیشرفت اسلام داشته و دارد.

از جانب دیگر در جوامع امروزی برخی از افراد مبلغی وجود دارند که به طور کامل با شرایط اخلاقی یک مبلغ آشنایی نداشته و نتوانسته اند علی رغم نیت تبلیغی آموزه های دینی موفق باشند لذا به نظر می رسد تحقیق در زمینه نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی بتواند مبلغین را بیش از پیش به وظیفه خود آشنا کند تا بتوانند در ترویج آموزه های دینی موفق باشند.

### ۳-۱- اهداف و فوائد تحقیق

#### هدف تحقیق:

بررسی و شناخت نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی.

#### فوائد تحقیق:

۱. آگاهی در مورد نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی.
۲. ارائه یک مجموعه در مورد نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی.

### ۴-۱- پیشینه موضوع تحقیق

اساسی ترین وظیفه ی انبیاء در قرآن، تبلیغ دانسته شده است و با بررسی در آیات و روایت اهل بیت (علیهم السلام) اخلاق از اصلی ترین و حساس ترین شرایطی است که در وجود یک مبلغ لازم و ضروری



می‌باشد. لذا در کتب مختلف اخلاقی و تفسیری برای مبلغان و ترویج دهندگان آموزه های دینی صفات اخلاقی مختلفی ذکر نموده اند از جمله کتب تبلیغ در قرآن و حدیث از محمد محمدی ری شهری، پژوهشی در تبلیغ از محمدتقی رهبر، اخلاق در قرآن نوشته ی محسن قرائتی و مقاله ویژگی- های مبلغان و معیارهای تبلیغ در قرآن تالیف عبدالکریم پاک نیا، که به ویژگی ها و وظائف مبلغ اشاره نموده است. این نوشتار به نقش اخلاق فردی و اجتماعی مبلغ در ترویج آموزه های دینی می‌پردازد که در هیچکدام از کتاب ها و مقالات فوق چنین ساختار و دسته بندی یافت نشد.

## ۵. سوالات تحقیق

سوال اصلی:

نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی چیست؟

سوالات فرعی:

۱. اخلاق در آموزه های دینی به چه معناست؟

۲. نقش اخلاق فردی مبلغ در ترویج آموزه های دینی چگونه است؟

۳. نقش اخلاق اجتماعی مبلغ در ترویج آموزه های دینی چیست؟

## ۶. فرضیه تحقیق

در ترویج آموزه های دینی اخلاق فردی و اجتماعی مبلغ نقش به سزایی دارد.

## ۷. ۱- روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی بوده و با توجه به راهبرد، توصیفی - تحلیلی می باشد و از آنجا که شیوه گرد آوری آن از طریق مراجعه به کتب و مقالات بوده، از نوع کتابخانه ای است.

## ۸. ۱- ساختار تحقیق

پژوهش حاضر از مقدمه، دو بخش و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول: کلیات بحث، مطرح شده که شامل دو فصل است. فصل اول کلیات تحقیق و فصل دوم مفهوم شناسی واژگان اخلاق، مبلغ و کلمات مرتبط با آن می باشد. و در بخش دوم: به دو فصل: در فصل اول به نقش اخلاق فردی مبلغ از جمله اخلاص، تواضع و فروتنی، نظم و وقت شناسی، آراستگی، درایت و بصیرت و پیشگامی در عمل اشاره شده و فصل دوم به نقش اخلاق اجتماعی مبلغ در ترویج آموزه های دینی از جمله خوش خلقی و گشاده رویی، سعه صدر، صبر و بردباری، عفو و گذشت، نصیح و خیرخواهی، مردمی و دلسوز بودن پرداخته است.

## ۹. ۱- واژگان کلیدی

**اخلاق:** واژه اخلاق، بر وزن «افعال» که در اصل، واژه ای عربی است که در لغت به معنای «سرشت و سنجیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد یا زشت و ناپسند.

**مُبَلِّغ:** مُبَلِّغ کسی است که با همه توان تلاش می کند تا مواد تبلیغی همراه خود را به مقصد نهایی که اندیشه و دل مخاطب است برساند.

**تبلیغ:** در اصطلاح تبلیغ در سالم ترین، طبیعی ترین و اصولی ترین شکل آن، نوعی فعالیت آموزشی است که به منظور نشر دانش و آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نشر ارزش ها و سجایای اخلاقی صورت می گیرد.

**دین:** دین شیوه زندگی است که از طرف خداوند برای هدایت بشر در سه زمینه اعتقادی، اخلاقی و عملی آمده است.

**اخلاق تبلیغ:** به آن دسته از صفات و ویژگی های اخلاقی مبلغ که در امر تبلیغ موثر می باشد اخلاق تبلیغ گوئیم. به عبارت دیگر، آنچه که هنگام مواجهه ی مخاطب با مبلغ، زمینه ی پذیرش هرچه بهتر آموزه های دینی می گردد، اخلاق تبلیغ نامیده می شود.

## ۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

این تحقیق مانند تمام تحقیق های دیگر دارای مشکلات متعددی بوده است از جمله:

۱. دور بودن به کتابخانه ها.
۲. مریضی های متعدد.
۳. مصادف شدن انجام این پایان نامه با امتحان سطح ۳ و مصاحبه.

## فصل دوم: مفهوم شناسی

۱- ۲. مفهوم شناسی واژه اخلاق

۲- ۲. انواع اخلاق

۳- ۲. واژه مُبَلِّغٌ

۴- ۲. کلمات مرتبط

گسترده ترین ارتباط انسان، ارتباط و تعامل با افراد جامعه خویش است و در این تعامل، انسان ها دائماً در حال تاثیر پذیری و یا تاثیر گذاری می باشند در این میان مبلغان دینی که نقش عمده ای در تاثیر گذاری در فرهنگ جامعه دارند، برای گسترش و نشر افکار آسمانی و آگاه ساختن مردم به آموزه های دینی، نیازمند ابزار مهمی همچون اخلاق در امر تبلیغ می باشند. که در این فصل ابتدا به مفهوم شناسی و در ادامه به تبیین نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی می پردازیم.

## ۱-۲ مفهوم شناسی واژه اخلاق

لغت شناسان تعاریف مختلفی برای واژه اخلاق ذکر نموده اند که عبارت است از:

### ۱-۱-۲ مفهوم لغوی واژه اخلاق

واژه اخلاق، بر وزن «افعال» که در اصل، واژه ای عربی است که در لغت به معنای «سرشت و سنجیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوان مردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی. لغت شناسان عموماً آن را با واژه «خلق» هم ریشه دانسته اند. وقتی گفته می شود فلان کس خلق زیبایی دارد، یعنی نیرو و سرشت یا صفت معنوی و باطنی زیبا دارد. در مقابل، هنگامی که می گویند فلان کس خلق زیبایی دارد، به معنای آن است که دارای آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک. محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، بیروت: دارالفکر، بی تا، ص ۳۳۷؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۴؛ اسماعیل بن حماد الجوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، الرابعة، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۰م، ص ۱۴۷۱.

## ۲- ۱- ۲. مفهوم اصطلاحی واژه اخلاق

اخلاق در اصطلاح دانشمندان و عالمان اخلاقی، معانی و کاربردهای متفاوتی دارد. در اینجا به پاره‌ای از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱. صفت راسخه و پایدار نفسانی

اخلاق، ملکه و حالت پایدار نفسانی است که بدون تفکر و تأمل، آدمی را به انجام کاری بر می‌انگیزاند و باعث می‌شود کارهای خوب یا بد به آسانی از او صادر شود. اگر این صفت پایدار نفسانی به گونه‌ای باشد که تنها افعالی از او صادر بشود که از منظر عقل و شرع نیک و پسندیده باشد، اخلاق نیک نامیده می‌شود، و اگر افعالی از او صادر شود که از منظر شرع و عقل زشت و ناروا باشد، به آن اخلاق زشت گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

ابن مسکویه بر این عقیده است که:

«خُلُقُ هِمان حَالتِ نَفْسانِی است که انسان را به انجام کارهایی فرا می‌خواند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد، و آن بر دو گونه است: یکی آن که طبیعی و فطری است، مثل انسانی که با اندک چیزی غضبناک می‌شود و با اندک سببی به هیجان می‌آید، و مثل انسانی که از شنیدن کم‌ترین صدایی می‌ترسد و با اندک چیزی محزون می‌گردد. دوم این که برخی از آن حالات بر اثر عادت و تکرار که مبدأ آن فکر و اندیشه است در انسان پدید می‌آید و بر اثر تکرار و دوام به صورت ملکه و خُلُق می‌گردد»<sup>۲</sup>

همچنین علامه مجلسی (رحمه الله علیه) می‌نویسد:

---

۱. احمد بن محمد ابن مسکویه، کیمیای سعادت (ترجمه طهاره الاعراق)، تهران: نشر نقطه، ۱۳۷۵، ص ۵۸-۵۷.

۲. همان.

«الخلق بالضم ملكة النفس يصدر عنها الفعل بسهولة و منها ما تكون خلقية و منها ما تكون كسبية بالتفكر و المجاهدة و الممارسة و تمرين النفس عليها... ثم يكرر ذلك حتى يصير خلقاً و عادة له؛ خلق ملكة ای نفسانی است که کار از او به آسانی صادر می شود. پاره ای از آنها ذاتی و فطری است و پاره ای از آنها اکتسابی است که نیاز به تفکر، مجاهدت و ممارست و تمرین نفس دارد تا به صورت خوی و عادت در آید.»<sup>۱</sup>

بنابراین برخی اخلاق را، اعم از خوب یا بد، ملکه ای نفسانی می دانند که در فطرت و سرشت آدمی قرار دارد؛ با این تفاوت که تعلیم، تربیت، معرفت و آگاهی، در اخلاق نیکو که به عنوان ملکه در فطرت او قرار دارد اثر گذار است و به آن صیقل و درخشندگی می بخشد، ولی تعلیم و تربیت در اخلاق رذیله که به عنوان کیف نفسانی خبیثه در سرشت او رسوخ پیدا کرده است، اثر جوهری ندارد، فقط می تواند اثر گذرا و عرضی بر آن داشته باشد.

## ۲. صفات نفسانی

گاهی مراد از اخلاق در نزد اندیشمندان، هرگونه صفت و حالت نفسانی است که سبب صدور کارهای خوب یا بد می شود، چه آن صفت به صورت ملکه و پایدار و چه به صورت غیر پایدار باشد، و چه از روی تأمل و اندیشه از انسان صادر شود و چه بدون تأمل و اندیشه. لذا اگر بخیلی که سرشت او بخل ورزی و عدم بخشش است، احیاناً بخششی کند، این کار او خلق بخشش به حساب آمده و از نظر اخلاقی دارای ارزش مثبت است.<sup>۲</sup>

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳، باب ۵۹، ص ۳۷۲، ذیل حدیث

۱۸. «عده‌ای از فیلسوفان اخلاق غربی نیز در تعریف فضایل اخلاقی گفته‌اند: ملکات یا ویژگی‌هایی هستند که کاملاً ذاتی نباشند؛ همه آنها باید دست کم تا حدی به وسیله تعلیم و ممارست و یا شاید با موهبت به دست آمده باشند» (ویلیام کی فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم: موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰).

۲. محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۲، ص ۲۱.

### ۳. فضائل اخلاقی

گاهی واژه اخلاق فقط در مورد فضائل پسندیده و نیک به کار می رود. به عنوان مثال، اگر گفته شود: «احسان، کار اخلاقی است»، «عفت، عفو، دوستی، راستی، وفا، گذشت، نیکی در برابر بدی و خدمت به نوع بشر، فعل اخلاقی است»، «بخل، حسد، دروغ گویی، سخن چینی، رفتار منافی عفت، عمل غیر اخلاقی است»، در این صورت منظور از اخلاق تنها فضائل اخلاقی است. این معنا از اخلاق در زبان انگلیسی نیز رایج است و غالباً برای تعبیر «اخلاقی» واژه "ethical" معادل «درست» و «خوب»، و برای تعبیر غیر «اخلاقی»، واژه "unethical" به معنای «نادرست» و «بد» را به کار می برند.<sup>۱</sup>

### ۴. نهاد اخلاقی در زندگی

واژه اخلاق نزد برخی از دانشمندان،<sup>۲</sup> به خصوص فیلسوفان غربی، کاربرد دیگری نیز دارد و آن زمانی است که از «نهاد اخلاقی زندگی» سخن به میان آید. اخلاق در این اصطلاح، در عرض مسائلی مانند هنر، علم، حقوق و دین قرار دارد؛ اما در عین حال متفاوت با آنها به کار برده می شود. بنابراین، اصطلاح اخلاق نیز مانند زبان، دین و کشور میان افراد بوده و فرد در آن داخل شده و کم و بیش در آن سهیم می گردد. به عبارت دیگر؛ وجود آن به شخص وابسته نیست، بلکه ابزاری در دست جامعه به عنوان یک کل برای ارشاد و راهنمایی افراد و گروه های کوچک تر است.

### ۵. نظام رفتاری حاکم بر افراد

عده ای اخلاق را به معنای نظام رفتاری (code of conduct) یک گروه دانسته اند. اخلاق نازی یعنی نظام رفتاری مورد پسند نازی ها، و اخلاق مسیحی یعنی نظام رفتاری مورد قبول مسیحیان.

---

۱. ویلیام کی فرانکنا، همان، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۸-۳۰.



معانی دیگری نیز برای اخلاق ذکر شده است که بسیار نزدیک به همین اصطلاح است. هر چند قیود و شرایط خاصی بر آن افزوده‌اند. مثلاً این تعریف که اخلاق عبارت است از یک سیستم همگانی غیررسمی که با همه انسان‌های عاقل سروکار داشته، رفتار آنان را در ارتباط با دیگران کنترل و مهار می‌کند و مشتمل بر قواعد، آرمان‌ها و فضایل اخلاقی است و هدف آن نیز کاستن از رذائل اخلاقی است؛ یا این تعبیر که «اخلاق دستگامی از عقاید جاری در جامعه درباره منش و رفتار افراد آن است، درباره اینکه افراد آن جامعه چه رفتار و منشی باید داشته باشند»<sup>۱</sup>

## ۶. علم و مجموعه قواعد برای رسیدن به نیکوکاری

گاهی اخلاق بر علم معینی (علم اخلاق = مجموعه قواعد) اطلاق می‌شود. در این صورت، منظور از «اخلاق»، «علم اخلاق» است و در آن از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن گفته می‌شود و منظور از اخلاق، «مجموع قواعدی» است که رعایت آن‌ها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است و قواعد اخلاق، میزان تشخیص نیکی و بدی است بی آن که احتیاج به دولت باشد.

لذا برخی از حکما و فلاسفه، علم اخلاق را عبارت از «علم زیستن» یا علم «چگونه زیستن» دانسته‌اند و ابو علی سینا علم اخلاق را به علمی تعریف نموده است که وظائف و تکالیف انسان را نسبت به خویشتن مورد بحث و گفت و گو قرار می‌دهد.

نیز برخی از دانشمندان غربی در تعریف اخلاق گفته‌اند که اخلاق جمع خُلق است؛ ولی بر علم معینی استعمال می‌شود که مشابه آن در لغات اروپایی واژه morale می‌باشد.

---

۱. آر. اف. اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی‌نیا، ترجمه سهراب علوی‌نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹، ص ۱۶.

بعضی از فلاسفه غرب نیز تعریف مشابهی برای آن ذکر کرده اند، مانند «ژکس» که گفته است: «اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد»، و مانند لوسن و فولکیه که گفته اند: «اخلاق، مجموع قوانین رفتاری است که انسان به واسطه مراعات آن می تواند به هدفش برسد.»<sup>۱</sup>

## ۷. حکمت عملی و علم تهذیب

گاهی اخلاق در دو معنای عام و خاص استعمال می شود؛ معنای عام را «حکمت عملی» و معنای خاص را «علم تهذیب اخلاق» که شاخه ای از حکمت عملی است، می گویند.

حکمت عملی، علم تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن را در بر می گیرد. خواجه نصیر الدین طوسی درباره آن گفته است: «حکمت، قیام نمودن به کارها است چنان که باید» این، تعریف اخلاق به معنای عام آن است. نامیدن کتبی که در آنها هر سه شاخه حکمت عملی مورد بحث قرار می گیرد به نام اخلاق، مثل کتاب اخلاق ناصری، نوشته خواجه نصیر الدین طوسی، مؤید این معنا است.

«علم تهذیب اخلاق» که معنای خاص اخلاق است، یکی از سه شاخه حکمت عملی است که در آن از بد و نیک (خیر و شر) خصلت ها و رفتارهای فردی و از «چه باید کردها» سخن گفته می شود.

با توجه به نوشتار بالا منظور ما از اخلاق در این تحقیق هم ملکه های نفسانی است و هم رفتارهای اخلاقی.

## ۲-۲. انواع اخلاق

علمای اخلاق خلقیات و صفات روحی و نفسانی را بر ۲ نوع تفسیر کرده اند.<sup>۱</sup>

فطری و طبیعی، اکتسابی و اختیاری.

صفات فطری، غرایز و احساسات و استعدادهایی است که در طبیعت انسان آفریده شده و اختیار و عمل، در تحصیل آنها هیچگونه دخالتی ندارند. مانند حس خداجویی، عرفان، حس ماورایی، حس کنجکاوی و امثال آن. در مقابل، صفات اکتسابی آن گونه صفاتی را گویند که در مقام عمل و اختیار به تدریج برای انسان حاصل می‌شود و در این مرحله، صفات و ملکات خوب را فضایل و مکارم اخلاق و صفات و ملکات بد را رذائل اخلاق نامند. چنانکه اگر رفتار و کردار انسان متأثر از ملکات فاضله باشد آن را محاسن اخلاق و آداب می‌نامند و چنانچه از ملکات رذیله ناشی شده باشد آن را سیئات و در برابر اخلاق می‌نامند.<sup>۲</sup>

همچنین برخی اندیشمندان از جمله شهید مطهری (رحمه‌الله علیه) بر این باورند که در جوامع اسلامی

سه نوع اخلاق وجود دارد ایشان در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، بر این مطلب اذعان دارند:

### ۱-۲-۲. اخلاق فیلسوفانه یا اخلاق سقراطی

که به دلیل اینکه خیلی خشک و علمی بوده از محیط علما و فلاسفه تجاوز نکرده و به میان مردم نرفته است. ولی دو نوع اخلاق دیگر در میان مردم مؤثر بوده است.

---

۱. همان.

۲. مقاله فلسفه اخلاق، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۰، <http://www.tebyan.com>.

## ۲-۲-۲. اخلاق عارفانه

یعنی اخلاقی که عرفا و متصوفه مروج آن بوده اند که البته با مقیاس وسیعی مبتنی بر کتاب و سنت است.

## ۳-۲-۲. اخلاق حدیثی

یعنی اخلاقی که محدثین با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده اند. این دو نوع اخلاق، یعنی اخلاق عارفانه و اخلاق حدیثی وجوه مشترک زیادی دارند گو اینکه در بعضی نقاط ممکن است اختلاف داشته باشند؛ اخلاق عارفانه محورش مبارزه و مجاهده با نفس بوده است که البته این در اساس، تعلیم صحیحی است و با اخلاقی که در کتاب و سنت ذکر شده نیز موافقت دارد اما در آن نوعی افراط شده که منجر به یک سلسله تعلیماتی گردیده که با کتاب و سنت سازگاری ندارد و اخلاق اسلامی را یک مقدار از زندگی به مردگی کشانده است. این ها تحت عنوان مبارزه با نفس و خودخواهی و خودپرستی، آن چیزی را که در اسلام به معنی کرامت نفس و شرافت نفس آمده است و به حفظ آن توصیه شده، نادیده می گیرند.<sup>۱</sup>

استاد شهید مطهری (رحمته الله علیه) در این باره می فرماید:

«اسلام با نفس پرستی به معنی شکم پرستی و زن پرستی و پول پرستی و جاه پرستی مخالف است و با همه اینها اگر بخواهد به صورت معبود درآید مبارزه می کند، که طبع انسان هم مایل به اینهاست، و به این جهت با اینها مبارزه می شود که انسان طبعاً به سوی اینها مایل است. ولی چیزهایی هست که طبع، مایل به آنها نیست و با توصیه باید آنها را تقویت کرد، از قبیل عزت خواهی، شرافت خواهی و کرامت نفس خواهی، و این معنایش اینست که انسان توجهی به خلاف آن امور یعنی به گوهر روح و

---

۱. محمدرضا مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ دوم، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶،

نفس خود دارد و گوهر روح و نفس خود را از پاره ای کارها و خلقیات برتر می‌داند . اهتمام به این (خودی) و زنده کردن این (خود) ، با مبارزه کردن با آن (خود) هر دو به سوی یک هدف است، و برعکس ، کشتن این خود، اثر کشتن آن خود را هم از میان می‌برد. در نهج البلاغه آمده است که فرمود:

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ»<sup>۱</sup> آنکه نفسش برایش عزت و شرافت داشته باشد و احساس شرافت و کرامت برای نفس خود کند، شهوات در نظرش خوار است»

یعنی اگر این حس در انسان پیدا شود زود شهوت پرستی را رها می‌کند. انسان را ارجاع می‌دهد به خودی در درون خویش که به ( خود) توجه کن، ( خود) تو یک مقام عالی دارد و برتر است از اینکه آلوده این چیزها شود. مثل اینست که کسی را به تابلوی بسیار زیبایی که دارد آگاه می‌کنیم که می‌دانی این تابلو چه تابلوی زیبایی است؟! خیلی عالی و فوق العاده است، حیف است اینجا باشد که گرد و غبار و دود بگیرد.) تا آن را نمی‌شناسد اهمیت نمی‌دهد، ولی وقتی که شناخت فوراً آن را حفظ می‌کند. یا در حدیث دیگر آمده:

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا»<sup>۲</sup> از همه مردم بلند مرتبه تر و عظیم القدر تر آن کسی است که برای مقام دنیا به اندازه نفس خود ارزش قائل نیست.» (البته این نفس پرستی نیست).

---

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۳۸۹.

از همه مردم عظیم القدر آن کسی است که اگر تمام دنیا را یک طرف بگذارند، و کرامت و عزت نفس را طرف دیگر، او خودش و عزت نفس خودش را بر تمام دنیا مقدم می‌دارد، یعنی حاضر نیست شرافت و کرامت خود را در مقابل اینکه تمام نعمت های دنیا را به او بدهند، لکه دار کند.<sup>۱</sup>

## ۳- ۲. واژه مُبَلِّغٌ

مُبلِّغٌ کسی است که با همه توان تلاش می کند تا مواد تبلیغی همراه خود را به مقصد نهایی که اندیشه و دل مخاطب است برساند.<sup>۲</sup>

## ۴- ۲. کلمات مرتبط

### ۱- ۴- ۲. تبلیغ

تبلیغ واژه ای عربی از ریشه بَلَّغَ به معنای رسانیدن، رساندن و واصل کردن است<sup>۳</sup>

در اصطلاح تبلیغ در سالم ترین، طبیعی ترین و اصولی ترین شکل آن، نوعی فعالیت آموزشی است که به منظور نشر دانش و آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نشر ارزش ها و سجایای اخلاقی صورت می گیرد.<sup>۴</sup> تعاریف دیگری نیز برای تبلیغ ارائه شده از جمله (تبلیغ اسلامی عبارتست از رساندن

---

۱. محمدرضا مهدوی کنی، همان، ص ۱۱.

۲. مقاله تبلیغ و مبلِّغ در اسلام، شمیم یاس، تیر ۱۳۸۶، شماره ۵۲.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، غلامرضا خسروی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۰۷.

۴. محمدتقی رهبر، پژوهشی در تبلیغ، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۹۸.

پیام الهی به شیوه روشنگرانه از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای مورد نظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر.<sup>۱</sup>

واژه های (ابلاغ، بلاغ، دعوت، اعلام، تبشیر، انذار، ارشاد، نصیح، امر به معروف، نهی از منکر، وعظ، خطابه) واژه هایی هستند که به نوعی معنای تبلیغ را در بردارند.

## ۲- ۴- ۲- دین

دین شیوه زندگی است که از طرف خداوند برای هدایت بشر در سه زمینه اعتقادی، اخلاقی و عملی آمده است. علامه طباطبایی دین را شیوه زندگی معرفی می کند و بر این باور است که دین، حیات دنیوی انسان را در جهت سعادت اخروی و ابدی اداره می کند؛ بدین ترتیب دین را این گونه تعریف می کند:

عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی که پیمبران از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند. داشتن این عقاید و عمل به این دستورها سبب خوشبختی انسان در دو جهان است.<sup>۲</sup>

با توجه به این تعریف، علامه طباطبایی دین را به سه بخش «اعتقادات، اخلاق و عمل» تقسیم می کند. علامه برای اینکه دین با قوانین اجتماعی معمول جوامع اشتباه گرفته نشود، بین آن دو تفاوت قائل است:

---

۱. همان، ص ۲۹.

۲. محمدبن حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد باقر همدانی، ج ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۸۹.

دین از ناحیه خدای متعال است و قانون اجتماعی، مولود افکار مردم؛ به عبارت دیگر دین میان زندگی اجتماعی مردم و پرستش خدای متعال و فرمانبرداری از وی پیوند می‌دهد؛ ولی در قانون اجتماعی به این پیوستگی توجهی نیست.<sup>۱</sup>

سه نکته در باب تعریف دین از دیدگاه علامه قابل ذکر است: یک: دین امری فطری است؛ به این ترتیب که خداوند دین را بر اساس فطرت خود بشر تنظیم کرده است.<sup>۲</sup>

دو: اسلام دین حق است به این دلیل که آخرین دین آسمانی است؛ از این رو کامل‌ترین آنهاست و در صورت وجود کامل، به ناقص نیازی نیست؛ از طرف دیگر، کلیات آن برای همگان قابل فهم است؛ زیرا بر مبنای فطرت است.

سه: اخلاق بخشی از دین است. دین به ما می‌گوید در زندگی به دنبال صفات پسندیده باشیم و از ناپسند بپرهیزیم.

با توجه به تعریف دین از دیدگاه علامه مشخص می‌شود که ایشان در تعریف دین نیز اخلاق را بخشی از دین معرفی می‌کند به این صورت که دین وظیفه دارد اصول اخلاقی، مانند خیرخواهی، وظیفه‌شناسی، خوش‌رویی و ... را به انسان تعلیم دهد و به سوی این امور هدایت کند و از امور قبیح، مانند دروغ‌گویی و خیانت بپرهیزاند و این کار دین، خود کاشفیت از ارزش‌های اخلاقی است.

این نکته حائز اهمیت است که ظاهراً علامه در مباحث مربوط به اعتباریات، اخلاق را طوری تعریف می‌کند که گویی انسان در امر اخلاقیات مستقل است؛ در نتیجه اخلاقیات ارتباطی با دین پیدا

---

۱. همان، ج ۲، ص ۷.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۸۵.



نمی‌کند؛ ولی در عین حال در ضمن مباحث مربوط به فطرت و رابطه اخلاق و دین با فطرت، انسان را تابع اصول ارزشی تعیین شده در دین معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳- ۴- ۲- اعلام

اعلام، به معنای «آگاهانیدن» و «آگاه کردن» و «شناساندن» است و «اعلام نظر» هم زمانی به کار می‌رود که فرستنده برای اجرای کار، نیاز به نظر مشورتی شخص ثانوی دارد و با ذکر آن از مخاطب یا مقام بالاتر نظرخواهی می‌کند.

### ۴- ۴- ۲- نصیح

واژه «نصح» و «نصیحت» به معنای «هر کار یا هر سخنی است که در آن مصلحت صاحب عمل و سخن باشد ... و این واژه یا در اصل به معنای خلوص و اخلاص است؛ لذا به عمل خالص «ناصح» می‌گویند و یا به معنای اصلاح نمودن و محکم کاری است که به کار خیاط «نُصح» می‌گویند؛ به خاطر اصلاح و محکم کاری که بر روی پارچه انجام می‌دهد ... و توبه نصوح هم یا به معنای توبه خالص است و یا توبه محکم و پایدار.<sup>۲</sup>

---

۱. بررسی رابطه اخلاق با دین از دیدگاه علامه طباطبایی، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵،

مبلیغ موفق کسی است که در گفتار و سخنش خلوص داشته باشد؛ چراکه او ناصحی دلسوز و خیرخواه باید باشد. و در سخن گفتن خودش هنگام نصیحت هیچ هدف و غرضی جز رساندن پیام که خیر آن طرف است نداشته باشد.

#### ۵- ۴- ۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن. امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آنچه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود. این توصیه گفتاری است و شامل جرح نمی‌شود.

#### ۶- ۴- ۲. انذار

از ریشه «ن ذر» به معنای «آگاه و برحذر بودن» است. منذر و نذیر هر دو اسم فاعل و به معنای ترساننده و اخطار کننده یا انذار کننده است.<sup>۱</sup>

#### ۷- ۴- ۲. اخلاق تبلیغ

به آن دسته از صفات و ویژگی های مبلغ که برای او زمینه توفیق در تبلیغ را حاصل نماید اخلاق تبلیغ گوئیم. به عبارت دیگر، آنچه که هنگام مواجهه ی مخاطب با مبلغ، زمینه ی پذیرش هرچه بهتر آموزه های دینی می‌گردد، اخلاق تبلیغ نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. حسین بن محمد راغب أصفهانی، همان، ص ۱۴۱۶.

## ۸- ۴-۲. رابطه اخلاق با آموزه های دینی

بحث دین و اخلاق در سه دیدگاه «تباین، ترابط و تعامل» مطرح است. برخی از متفکران به تمایز و جداسازی قلمرو دین و اخلاق گرایش پیدا کردند و هرگونه نسبت میان دین و اخلاق را منتفی می دانند.<sup>۲</sup>

گروه دیگر به ترابط میان دین و اخلاق معتقدند و بر این باورند که رابطه ارگانیکی و جزء و کل و نسبت عموم و خصوص مطلق میان اخلاق دین و وجود دارد.<sup>۳</sup>

دسته سوم به استقلال قلمرو دین از اخلاق و نوعی ترابط میان آن دو حکم کرده اند. بر اساس این نظریه رابطه علیت و معلولیت، تأثیر و تأثر و به طور کلی تعامل بین آن ها وجود دارد.

به نظر می رسد در اخلاق دینی بین دین و اخلاق رابطه مستحکم و نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد زیرا نظام اخلاق دینی، و حیاتی است که در کنار اصول اعتقادات و احکام و قوانین فقهی بر اساس مصالح و مفاسد نفس الامری وضع گردیده است. بر این اساس احکام اخلاقی از احکام دین شمرده شده و در متن و آیین دین قرار دارد و از آن جدا نیست. به همین جهت دین در اخلاق کارکردهای فراوان دارد: پشتوانه بودن برای اخلاق، ضامن اجرایی بودن برای آموزه های اخلاقی، خاستگاه بودن برای الزام، تأمین مفاهیم اصلی و فرعی، تأمین مفاهیم مبتنی بر فطرت و گرایش های عاطفی و غریزی، توجه به حسن فاعلی، تبیین و تعیین ردائل و فضائل، روش های تربیت اخلاقی، منشأ بودن برای ارزش های اخلاقی و منبع استنباط احکام اخلاقی.<sup>۴</sup>

---

۱. مرتضی فدایی، مقاله حسن خلق در تبلیغ (قسمت اول)، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵،

<https://rasekhoon.net>

۲. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه منوچهر بزرگمهر، ج ۷، تهران: انتشارات فرهنگی و علمی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴-۳۳۳.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ج ۳، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۲.

۴. مقاله ساختار نظام مند مفاهیم و گزاره های اخلاقی، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵، <http://www.farsnews.com>

بنابراین می توان نتیجه گرفت که مُبَلِّغ کسی است که با همه توان تلاش می کند تا مواد تبلیغی همراه خود را به مقصد نهایی که اندیشه و دل مخاطب است برساند. رابطه بین مبلغ و نصیح، ارشاد، انذار، امر به معروف و نهی از منکر عموم و خصوص مطلق است چون نصیحت عملی ارشادی است در صورتی که یکی از عوامل اجرایی تبلیغ نصیحت و ارشاد می باشد

**بخش دوم: نقش اخلاق فردی و اجتماعی مبلغ در  
ترویج آموزه های دینی**

فصل اول: نقش اخلاق فردی مبلغ

فصل دوم: نقش اخلاق اجتماعی مبلغ

## فصل اول: نقش اخلاق فردی مبلغ

۱. اخلاص

۲. تواضع و فروتنی

۳. نظم و وقت شناسی

۴. آراستگی

۵. درایت و بصیرت

۶. پیشگامی در عمل

دعوت الهی و تربیت معنوی از دیدگاه اسلام مهمترین رسالت یک مبلغ دین است. مبلغ شایسته از منظر دین باید واجد خصوصیات و ویژگی‌هایی باشد تا بتواند ضمن آموزش به پرورش انسان‌ها هم نائل شود. هم‌چنین طبق آیات و روایات متعدد هم جایگاه بسیار رفیعی برای مبلغ و پیام رسان دین ذکر شده و هم مسئولیتی خطیر برای او در نظر گرفته شده، تا بتواند همانند انبیا به تربیت صحیح اسلامی بپردازد. و حال که مبلغ دین چنین وظایف سنگینی بر عهده دارند لازم است تا نقش اخلاق را در ترویج آموزه های دینی مورد بررسی قرار دهیم که ابتدا در این فصل به بیان نقش اخلاق فردی و در فصل دیگر به تبیین نقش اخلاق اجتماعی اش در ترویج آموزه های دینی پرداخته می شود.

## ۱. اخلاص

اخلاص از مهمترین صفات یک مبلغ دین است که مهمترین عامل تأثیر تبلیغ پیامبران و رمز بقای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نیز بوده و هست و یک مبلغ به عنوان ادامه دهنده ی راه معصومین (علیهم السلام) باید چنین صفتی اخلاقی را دارا باشد.

اخلاص این گونه معنا شده است: «تتقیةُ الشَّيءِ و تهذیبُهُ»<sup>۱</sup> پاک کردن و منزّه کردن چیزی را گویند.»

امام صادق (علیه السلام) در حدیث جنود عقل و جهل می فرماید: «الإِخْلَاصُ وَ ضِدُّهُ الشُّوبُ»<sup>۲</sup> ضد اخلاص شوب است.»

---

۱. عبد السلام محمد هارون، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰۸.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، محقق جلال الدین محدث، ج ۱، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق، ص ۱۹۷.

شوب در کتب العین، لسان العرب، مجمع البحرین به معنای مخلوط بودن است، پس اخلاص به معنای پاکی و منزّه بودن و عدم مخلوط بودن است، اخلاص به همان معنای قربتی است که ما در نیت های (عبادت) خود می گوئیم که همان انجام عبادت فقط برای خداوند است.

آدمی اگر عمیق بنگرد و به حاکمیت مطلق الهی باور یابد، از ژرفای جان به خوبی درک می کند که هیچ موجودی در مقابل قدرت الهی کمترین نیرویی ندارد. اراده، توان و قلب های همه انسان ها به دست اوست و هرچه او بخواهد تحقق می یابد و اگر تمام عالمیان خلاف اراده او برکاری تصمیم بگیرند، تحقق نخواهد یافت. اما افراد سطحی نگر خدا را فراموش کرده هر لحظه به دنبال فردی و جذب علاقه انسانی و یا پول و امکانات موجودی ناچیز، خود را به خفت و خواری می افکنند که این خود نوعی کفر و بی توجهی به قدرت لایزال الهی است. خلاصه آنکه توجه به غیر خدا از کم خردی و ضعف تعقل آدمی است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«ليس بين الإيمان والكفر إلاقلة العقل». قيل: وكيف ذاك يا بن رسول الله؟ قال: «إنَّ العبدَ يرفعُ رغبته إلى مخلوق، فلو أخلصَ نيته لله لآتاهُ الذي يُريدُ في أسرع من ذلك؛<sup>۱</sup> فاصله ای بین ایمان و کفر به جز کم عقلی نیست، گفته شد این امر چگونه است ای فرزند رسول خدا؟ حضرت فرمودند: بنده ای توجه خود را به مخلوق معطوف می دارد پس اگر نیت خود را برای خدا خالص می ساخت، خداوند آنچه را که اراده می کرد با سرعت بیشتری به او می داد.»

اگر انسان برای حل مشکل و یا رفع نیازی به مخلوقی تمسک می جوید و به خداوند که همه ی قدرت ها در اختیار اوست توجه نمی کند، از کم عقلی اوست.

---

۱. محمد هادی بن معین الدین محمد شریف شیرازی، الکشف الوافی فی شرح أصول الکافی، محقق علی فاضلی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹.



بنابراین اگر تبلیغ برای خدا صورت نگیرد، اثری بر دل ها نخواهد گذاشت و هدف از آن تأمین نخواهد شد همچنان که جاودانگی آثار قلمی و بیانی بعضی از بزرگان نشأت گرفته از تلاش مخلصانه آنهاست، به عنوان نمونه: امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: علی (علیه السلام) تمام وجودش برای خدا بود.

«عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ... قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَاسْتَخْلَصَهُ؛ بدون تردید محبوب ترین بنده ی خدا کسی است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است ... و کردار خود را خالصانه (به دور از ریا) برای خدا انجام دهد و خدا هم وی را بپذیرد.»<sup>۱</sup>

چون در سایه ی خالصانه عمل کردن است که یک مبلغ به همه ی اهداف خود خواهد رسید و تبلیغش مؤثر خواهد شد. مبلغ دینی باید به نیت اطاعت از دستورات خداوند و تقرب به حضرت باری تعالی، کار تبلیغی خویش را به دور از ریا و منافع مادی انجام دهد تا سخنش بر دلها نشیند. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَ أَخَذَ بِحُجْرَةٍ هَادٍ فَفَجَى قَدَّمَ خَالِصًا وَ عَمِلَ صَالِحًا؛<sup>۲</sup> خداوند رحمت کند کسی را که ... اعمال خالص (به دور از ریا) پیش فرستد و عمل صالح (و شایسته) انجام دهد.»

همچنین فرمودند:

«وَ اعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلُهُ اللَّهُ (إِلَى مَنْ) لِمَنْ عَمِلَ لَهُ؛<sup>۳</sup> در کارها ریا و تظاهر و خودنمایی به خرج ندهید، چون هر کس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند او را به همان که برای او کار کرده است، وا می گذارد.»

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، محقق فیض الإسلام، قم: ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۸.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، خصائص الأئمة (علیهم السلام)، محقق امینی و محمد هادی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۱۱.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، محقق فیض الإسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۵.

مرحوم کلینی از وجود امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْأَخِرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْأَخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هر کس حدیث را برای منافع دنیوی اراده کند، بهره ای از آخرت نخواهد داشت و هر کس به قصد آخرت آن را اراده کند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می دهد.»<sup>۱</sup>

پس یکی از آفات کار تبلیغی این است که مبلغ در کار خود منافع مادی، پست، مقام و ... را اصل قرار دهد و نیت خود را برای خدا خالص نگرداند، در حالی که خداوند تنها به اعمالی عنایت و توجه دارد که با نیتی پاک و قلبی صاف صورت گیرد.

مبلغ دین با نیت خالص، شعاع کار خود را وسیع می کند: برای آن، ابعاد غیر قابل پیش بینی می آفریند و ره آوردی غیر منتظره برای تلاش خود ایجاد می کند. تمایز تبلیغ دین با دیگر تبلیغات مرسوم، در این است که تبلیغ دنیا و مادیات، تنها به علم و تکنیک وابسته می نماید: مهارت های تبلیغی، تأثیر گذاری را رقم می زند: استفاده از دانش هایی چون روانشناسی، جامعه شناسی و ... ضامن پیشبرد پیام تبلیغی می باشد که فنون و هنرهای متفاوت، پشتوانه ی اثر گذاری آن می شود.

در آنگونه تبلیغات، نیت انجام دهنده ی کار، چندان جلوه ای نمی یابد، اما در تبلیغ دین، چون کار برای دین خدا است، نیت خالص نقش چشم گیر پیدا می کنند عنایت و توفیق الهی، آنگاه به مدد می آمد که مبلغ دین، واقعاً برای او پا به میدان می نهد و زبان می گشاید و جامعه را به هدایت دعوت می کند با اخلاص در نیت، قوای مسخر اراده ی الهی، مرکب تیز رو برای عمل مبلغ می شود، دایره ای وسیع و گسترده برای آن ایجاد می کند. دروازه های قلب را می گشاید و جان ها را در برابر سخن،

---

۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: دار

پیام و آرمان او، نرم و موم می سازد. خلق کثیری را در برابر حق خواهی او خاضع و خاشع می کند و با او هم آوایش می سازد.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

«فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ؛<sup>۱</sup> هنگامی که خداوند راستی (و اخلاص) ما را ببیند، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل می کند.»

در روزگار ما، زندگی امام خمینی (رضوان الله علیه)، مصداق صادق این سخن به شمار می آید. آن بزرگوار در پرتو نیت بی شائبه و اخلاص کم مانند، توانست چنان جاذبه ای در دل ها بیافریند که تاریخ کشور، همانندی برای آن نمی یابد. مقام معظم رهبری به این نکته ی سترگ چنین اشارت دارند:

«بدون اخلاص هم که هیچ کار پا نمی گیرد. من در روز سوم و یا هفتم و شاید هم چهلم امام بودم که با هلیکوپتر به مرقد امام (رضوان الله علیه) که یک بیابان دور از همه چیز بود می رفتم. از آن بالا ناگهان دیدم که در وسط این بیابان، چیزی شبیه گنبد سربلند کرده و بنایی درست کرده اند و مردم، همین طور مثل مور و ملخ می ریزند با دیدن این منظره، واقعاً منقلب شدم و گفتم: «پروردگارا! به این اخلاص چه زود پاداش می دهی.» خدا اصلاً نمی گذارد که امروز، به فردا بیفتد آن چیزی که مردم را این طور مثل آهن ربا می کشاند چیزی جز اخلاص امام نبود.»

بنابراین مؤثر واقعی، خداوند است و اگر تبلیغ به خاطر خدا انجام گیرد، بر دل ها اثر خواهد گذاشت. اخلاص در تبلیغ، شیوه ی تمامی رسولان الهی همچون حضرت نوح، هود، صالح، لوط، شعیب (علیهم السلام) و خاتم رسولان؛ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است که به مردم می گفتند:

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، همان، ص ۹۳.

«وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> من برای رسالت خویش از شما پاداشی

نمی‌خواهم و پاداش من تنها نزد خداوند عالمیان است.»

چنانکه اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) در ماجرای اطعام یتیم و اسیر و مسکین به آنان می‌گفتند:

«لَا نُزِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا؛ ما از شما انتظار پاداش یا سپاسی نداریم.»<sup>۲</sup>

اگر مبلغ به خاطر خوشایند مردم و تشکر و سپاسگذاری ایشان قدم بردارد، بی توجهی مردم برای او بسیار سخت و جانکاه خواهد بود.

چنین شخصی که انگیزه تبلیغش، رفع نیازهای مادی و ضرورت های زندگی است هرگز قادر به ابلاغ پیام الهی و اقناع مخاطب نخواهد شد، رمز موفقیت تبلیغی انبیا و تحمل بار سنگین دعوت، در اخلاص آنان نهفته است. ابراهیم پیامبر از عمق جان فریاد می‌زند: «إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي \* وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup> به راستی که نماز و عبادت و زندگی و مرگ من همه برای خدا، پروردگار جهانیان است.»

اقبال و ادب‌ارها، مدح و سرزنش‌ها، مظاهر ظاهری و مادی و بالأخره، همه‌ی آن چه شائبه تصنع، ملاحظه‌کاری و ریا دارد نبایستی در داعی الی الله و مبلغ تاثیر بگذارد و اگر تاثیرش اجتناب ناپذیر بود، ترتیب اثر ندهد.

نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید:

---

۱. محمد بن محمد مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، محقق حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید،

۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۰.

۲. عبد الرزاق بن محمد هاشم، مصباح الشریعة، محقق محمدبن حسین آقا جمال خوانساری، تهران: پیام حق،

۱۳۷۷ ش، ص ۳۲۹.

۳. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محقق محمد انصاری زنجانی خوئینی، ج ۲، قم: الهادی،

۱۴۰۵ ق، ص ۹۲۵.

«لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ دَاعٍ مُدَّعٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْيَقِينِ إِلَى الشُّكِّ وَ مِنَ الْإِخْلَاصِ إِلَى الرِّيَاءِ وَ مِنَ التَّوَاضُعِ إِلَى الْكِبَرِ وَ مِنَ النَّصِيحَةِ إِلَى الْعَدَاوَةِ وَ مِنَ الزُّهْدِ إِلَى الرَّغْبَةِ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ إِلَى التَّوَاضُعِ مِنَ الْكِبَرِ وَ مِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ وَ مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَ مِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ وَ مِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ - وَ لَا يَصْلُحُ لِمَوْعِظَةِ الْخَلْقِ إِلَّا مَنْ جَاوَزَ هَذِهِ الْأَفَاتِ بِصِدْقِهِ وَ أَشْرَفَ عَلَى عُيُوبِ الْكَلَامِ وَ عَرَفَ الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ وَ عِلَلَ الْخَوَاطِرِ وَ فَتَنَ النَّفْسِ وَ الْهَوَى؛<sup>۱</sup> با هر مبلغ مدعی مجالست نداشته باشید (کسی که) شما را از یقین به شک می خواند و از اخلاص به ریا و از تواضع به کبر و از نصیحت به دشمنی و از بی رغبتی نسبت به دنیا شما را به دوستی دنیا فرا می خواند. بلکه خود را به عالمی نزدیک کنید که شما را از تکبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از دنیا طلبی به بی میلی به دنیا و از دشمنی به نصیحت می خواند. و برای موعظه مردم صلاحیت ندارد مگر کسی که از این آفت ها به راستی بترسد و بر عیوب سخن آگاه باشد و صحیح را از باطل و بیماری هایی که به قلب نفوذ می کند و فتنه های نفس و هواها را بشناسد.»

بنابراین روایت، می توان نتیجه گرفت که اخلاص از شروط اصلی تبلیغ بوده و کسی که می خواهد مردم را به خدا دعوت کند و از شرک و ریا به توحید و اخلاص فراخواند، لازم است قبل از هر چیز به درون خویش بیدار باشد. در غیر این صورت موجب گمراهی مردم گشته، آنان در تطبیق گفتار و کردار گوینده، حیران و برخی به انحراف کشیده می شوند. چنین افرادی نباید به خود اجازه موعظه مردم دهند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

---

۱. محمدرضا حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ

«أَحْسَنُ الْمَوَاعِظِ مَا لَا يُجَاوِزُ الْقَوْلُ حَدَّ الصِّدْقِ وَ الْفِعْلُ حَدَّ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّ مَثَلَ الْوَاعِظِ وَالْمَوْعُوظِ كَالْيَقْظَانِ وَالرَّاقِدِ فَمَنْ اسْتَيْقَظَ عَنْ رَقْدَتِهِ وَ غَفَلَتِهِ وَ مُخَالَفَتِهِ وَ مَعَاصِيهِ صَلَحَ أَنْ يُوقِظَ غَيْرَهُ مِنْ ذَلِكَ الرَّقَادِ وَأَمَّا السَّائِرُ فِي مَفَاوِزِ الْعَيْتَاءِ...»<sup>۱</sup> بهترین مواعظ آن است که سخن از راستگویی تجاوز نکند و در عمل حد اخلاص را پشت سر نگذارد، همانا مثال مواعظه کننده و مواعظه شنونده همانند بیدار و خواب است. پس کسی که از خواب و غفلت و مخالفت و معصیت خود بیدار شود، صلاحیت دارد که دیگری را از خواب بیدار کند. اما کسی که خود در مهلکه ستم حرکت می کند و در چراگاه گمراهی می چرد و کسی که ریا و شهرت و صالح جلوه دادن خویش در مردم را دوست دارد و کسی که خود را به قیافه صالحین در می آورد؛ ظاهر کلامش نشانگر پاکی باطن اوست ولی او از آبادی وطن بی بهره است، همانا تنهایی علاقه به تمجید و تعریف باطن او را احاطه کرده است، تاریکی طمع او را پوشانده است، چقدر فریب هوای نفس خویش خورده و مردم را با گفته های خود گمراه می سازد، خداوند می فرماید: چه بد دوست و همراهی است.»

شاید بتوان گفت: بدترین خلق خدا کسانی هستند که دین را وسیله ی اغراض دنیوی می کنند چه بسا دزد و راهزن و غارتگر و آدم کش به مراتب از آن اشخاص بهترند زیرا آنان هر زیان و آسیبی می رسانند، به مال و تن و دنیای مردم است ولی اینان روح بندگان خدا را می کشند و هم دنیا و هم آخرتشان را به باد می دهند و هم خود دین را تباه می سازند. در دین و اخلاق علم حقیقی و پاک بودن از اغراض نفسانی با ایمان کاملاً ملازم است و این بدیهی بوده و نیازی به بیان ندارد که اگر شخص عالم نباشد عقایدش جاهلانه است و زود تزلزل می یابد بنابراین نمی تواند ایمانش کامل باشد و چون که ایمان کامل باشد البته اغراض نفسانی بر او چیره نخواهد گردید گاه اتفاق می افتد که برای کسی حالی دست می دهد که سخنش سوز و گداز دارد ولی عملش با آنچه می گوید مطابق نیست پس اگر عمل او با سخنش موافق نبود زود یا دیر مردم پی می برند و حقیقت پنهان نمی ماند. در آن صورت هم

۱ . عبد الرزاق بن محمد هاشم گیلانی، ترجمه مصباح الشریعة، محمدبن حسین آقا جمال خوانساری، تهران: پیام

تأثیر سخنش می رود و هم اعتقاد مردم به تعلیمات او سست می شود آنکس که خود را به خداپرستی معرفی کند اگر خلاف رضای خدا کند نتیجه اش جز نفرت مردم از شخص او چیزی نیست و آن هم که علناً با دین مخالفت می کند نمی تواند مردم را بی دین کند بلکه بر حسب مقتضای طبع بشر هرچه او بیشتر مخالفت کند دل مردم بیشتر به دین بستگی می یابد.<sup>۱</sup>

## ۲- ۱. تواضع و فروتنی

تواضع، یکی از موضوعات علم اخلاق اسلامی است که می توان گفت بیشترین تأثیر را در جذب افراد به دین داشته است. مرحوم نراقی در معراج السعاده، در تعریف تواضع می گوید:

«تواضع، عبارت است از شکستن نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، رفتار و گفتاری است که دلالت بر احترام دیگران می کند.»<sup>۲</sup>

معنا و مفهوم حقیقی تواضع آن است که انسان در مقایسه با دیگران، امتیاز و برتری ویژه ای برای خویش قائل نشود. وجود چنین حالتی در فرد، باعث می شود که دیگران را بزرگ و گرامی بدارد.

تواضع و فروتنی اهمیت خاصی در اخلاق اسلامی دارد تا آنجا که خداوند به پیامبرش به عنوان یک مبلغ امر می فرماید:

«(ای رسول من!) پر و بال رحمت (را) بر تمام پیروان با ایمانت به تواضع بگستران.»<sup>۳</sup>

---

۱. محمدعلی فروغی، آئین سخنوری، ج ۲، ۶، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۸، ص ۸۹.

۲. احمد نراقی، معراج السعاده، قم: هجرت، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶.

۳. شعراء (۲۶)، آیه ۲۱۵.

پیامبری که به حق مصداق کامل خشوع و فروتنی است و این خود، از رمزهای موفقیت آن حضرت در پیشبرد اهداف مقدسش و جذب افراد به سوی دین اسلام بود.<sup>۱</sup>

انسان های متواضع و فروتن، می توانند مردم را به دور خود جمع کنند؛ چنان که وجود پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین بود.

افراد مبلغ متعهد، که در طول تاریخ پیشاهنگ حرکت های اسلامی بوده اند، آنچه آنان را محبوب دل ها کرده، پیوندهای عمیق عاطفی و اخلاقی با مردم و تبلور فضائل و مکارم اخلاقی در آنان است. مردم، مبلغین را افرادی امین، دلسوز، مهربان و متخلق به اخلاق اسلامی می شمارند. فروتنی و افتادگی آنان در برابر آحاد مردم و اظهار برادری نسبت به آنان، موجب تألیف قلوب و جلب توجه و علاقه آنان شده است. این، بزرگترین عامل پیروی مردم، از مبلغین دین در طول تاریخ بوده است. به دو دلیل:

دلیل اول اینکه آنان وارثان انبیاء نمایندگان حجّت خدا هستند. روشن است که وراثت آنان تنها به جنبه های علمی محدود نمی گردد، بلکه در سیره عملی و اخلاقی هم باید وارث پیامبران باشند. همان گونه که پیامبران، بهترین سلوک را در میان مردم داشته اند، آنان هم باید در میان مردمان به گونه ای زندگی کنند که این وراثت برای همه محسوس باشد. از این روی، مردم توقع دارند که آنها، بهترین اخلاق و متواضعانه ترین رفتار را با آنان داشته باشند.

چنانچه در منابع دینی آمده است: عیسی مسیح (علیه السلام) از حواریون خواست که اجازه دهند تا پاهای آنان را شستشو دهد گفتند: ما بدین کار سزاوارتریم. حضرت در پاسخ آنان فرمود:

«إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكَذَا لِكَيْمَّا تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي النَّاسِ كَتَوَاضَعِي لَكُمْ»<sup>۱</sup>

---

۱. مقاله تواضع و فروتنی، مجله طویی، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳.



بدان جهت نسبت به شما چنین تواضع کردم، که پس از من در میان مردمان چنین کنید و ثانیاً شایسته ترین مردم برای خدمت، شخص عالم است. عالمان دینی، با اقتدا به پیشوایان بزرگ اسلام و سیره رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، همواره در کمال فروتنی و خوشرویی می زیسته اند و از معاشرت و همنشینی با محرومان و مستضعفان لذت می برده اند. روحانیان و مبلغین، حاملان علوم دینی هستند. دانش چون با ایمان و تقوی همراه گردد، فروتنی و افتادگی می آورد. آنان که حظی از علم برده اند درختان پرمیوه را مانند که شاخسار خویش را بر روی زمین فرود می آورند و همگان را برخوردار و بهره مند می سازند. کسی که برای خدا دانش اندوزد، با هر فصل و بایی که از آن فراگیرد، فروتنی و تواضعش فزون گردد، خود را حقیر شمارد. بر خوف و خشیت الهی و تلاش و اجتهاد در دینش افزوده گردد. اوست که از دانش سود می برد.<sup>۲</sup> از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است:

«سه چیز موجب محبت دیگران می شود: دینداری، فروتنی و بخشندگی.»<sup>۳</sup>

مبلغی که قدم در عرصه ی تبلیغ می گذارد باید بداند که برای موفقیت جهت ترویج دین و همچنین جهت تمرین در تکالیف بندگی، در درون تواضع و فروتنی خویش نسبت به افراد جامعه، نشانه هایی وجود دارد که هرگاه توانست اکثریت آنها را در کردار خود بروز دهد و بپروراند، هم به بندگی خویش در برابر خداوند اقرار و عمل کرده است و هم افراد خدا جوی را به او متصل کرده است. تواضع واقعی روحی است که انسان در پرتو ایمان حقیقی، به آن می رسد. ایمان و فروتنی انسان مؤمن، او را وامی دارد تا خود را برتر از دیگران نپندارد، با این حال خداوند مقام او را در نظر مردم بالا

---

۱. زین الدین بن علی شهید ثانی، منیة المرید، محقق رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۸۳.

۲. مقاله تواضع و فروتنی، مجله طویی، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳.

۳. حسن بن علی ابن شعبه؛ صادق حسن زاده، تحف العقول ترجمه حسن زاده، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۶۷.

می برد. شخص فروتن انتظار ندارد که دیگران او را به خاطر تقوایش مورد ستایش و تحسین قرار دهند. بنابراین، هر قدر خضوع و فروتنی انسان مؤمن بیشتر باشد، به همان نسبت کفه ایمان و تقوایش سنگین تر و پر بارتر می شود. لذا مبلغی که جهت خدمت به بندگان خدا قدم برمی دارد از ریا و خود نمایی دوری کرده و شهرت طلبی را هدف تبلیغ خود نمی داند.<sup>۱</sup>

نقل است که روزی پدر و پسری از یاران امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مهمان آن حضرت شدند، ایشان به آنان احترام گذاشت و آنها را در بالای مجلس جای داد و خود پیش روی آنان نشست. سپس غذا آورد و با هم صرف کردند. پس از غذا، «قنبر» خدمت گزار امام، طشت و آفتابه آورد و خواست بر دست مهمانان آب بریزد. امام خود برخاست، ابریق را گرفت تا بر دست مهمان خویش آب بریزد. در این حال، مهمان با سرعت، دست خود را عقب کشید و گفت: ای امیر مؤمنان! چگونه در محضر خدا، کسی مثل شما روی دست من آب بریزد؟ امام (علیه السلام) فرمود: «درست است که خدا تو را می بیند، ولی من برادر تو هستم، بنشین و دستت را بشوی، پاداش این کار آن است که در بهشت، ده چندان به من خدمت خواهند کرد»، مهمان پذیرفت و دستش را شست. سپس آن حضرت، ابریق را به فرزندش، محمد حنفیه داد و فرمود: «اگر این پسر به تنهایی مهمان من بود، خود آب بر دستش می ریختم، ولی خداوند دوست دارد میان پدر و پسر تفاوتی باشد. برخیز! تو نیز بر دست پسر آب بریز.»<sup>۲</sup> در اینجا باید متذکر شد که تواضع و فروتنی بطور مطلق پسندیده نیست و مواردی از آن استثنا شده از جمله تواضع در برابر متکبران و کافران و تواضع در برابر متجاهر به فسق و تارک الصلوة و همینطور تواضع به خاطر ثروت و مال و دارایی فرد که به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. به طور معمول مخاطبان از اطراف مبلغ «مغرور» و «متکبر» پراکنده می شوند؛ در حالی که اگر مبلغی «فروتن» و «افتاده» باشد، با این صفت «تواضع و فروتنی» مردم را پروانه وار به دور خود جمع کرده، با محبت چون شمع برایشان نورافشانی می کند.

۱. مقاله تواضع و فروتنی، مجله طویی، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۱۸.

بتابراین تواضع و فروتنی در برابر مردم به این معنی است که مبلغ خود را از برادران مؤمن و مسلمانان برتر نبیند و برای خود مقامی بالاتر از دیگران تصور نکند. به دیگر سخن، تواضع مبلغ در برابر مخاطبان بدین معنی است که نسبت به آنان به چشم حقارت نگاه نکند و از احترام به آنها دریغ نرزد. استاد شهید مطهری (رضوان الله علیه) درباره صفت تواضع و فروتنی در مبلغ می گوید:

«مبلغی که می خواهد پیامی را، آن هم پیام خدا را به مردم برساند، باید در مقابل مردم در نهایت درجه فروتن باشد؛ یعنی پرمدعایی نکند، اظهار انانیت و منیت نکند، مردم را تحقیر نکند و در نهایت خضوع و فروتنی باشد.»<sup>۱</sup>

در نتیجه مبلغ، باید کانون مهر باشد و سایه عطوفتش بر سر همه بگسترد و مانند پدری مهربان و رئوف، فرزندان مکتبی خویش را به سوی ارزشها، با کمال تواضع، فراخواند و سبب جذب اکثریت دل مردم شوند.

### ۳- ۱- نظم و وقت شناسی

یکی دیگر از جلوه های اخلاق در مبلغین نظم و وقت شناسی آنها در زندگی فردی و اثرگذاری آن در حیطه ی اجتماعی آنها می باشد.

در ارزش و اهمیت نظم در زندگی همین بس که پیشوای پارسایان، حضرت امیر مومنان (علیه السلام) این گوهر ارزشمند را هم ردیف دیگر ارزش های والای اسلامی قرار داده و در واپسین روزهای حیات خویش، در سخنان گوهرینش به فرزندان بزگوارش و تمام کسانی که این پندهای گرانمایه به آنان می رسد، رعایت آن را این گونه سفارش فرموده است:

---

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران: صدرا، ۱۳۶۸، ص ۲۶۴.

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»<sup>۱</sup>

در این بیان بلیغ، نظم، در ردیف تقوا - که از والاترین ارزش‌های اسلامی است - قرار گرفته و وفای به آن را گوشزد کرده است. این کلام، رساترین جمله در بیان ارزش نظم و انضباط است. فرصت‌ها، چونان ابر بهاری، در آسمان عمر آدمی ظاهر می‌گردند و به سرعت می‌گذرند. آن کس که از این فرصت‌ها استفاده نکند، جز افسوس، بهره‌ای نخواهد داشت.<sup>۲</sup> برای روشن شدن ارزش استفاده بهینه از فرصت‌ها خداوند در قرآن کریم هنرمندانه سخن به زبان می‌گشاید:

«وَالْعَصْرُ؛<sup>۳</sup> سَوْغَنْدَ بِهَ زَمَانٍ.»

یکی از معانی زمان، در این آیه شریفه، همان وقت است. وقت و زمان، چنان ارزش دارد که خداوند بدان سوگند می‌خورد. هم چنین در وصف مومنان رستگار آمده است:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛<sup>۴</sup> آنان که از کارهای بیهوده روی گردانند.»

افراد مبلغ که در وادی تبلیغ قدمی برداشته‌اند، قدم در راه خیر گذاشته و از فرصت‌های زندگیشان بهترین بهره را برده‌اند. هرچند پذیرفتن مسئولیت در این راه سنگین است اما، نجات‌بخش است. افراد از ورطه‌ی جهالت و نابودی و زنده کردن آموزه‌های دینی، بهترین قدم‌ها در عمرشان می‌باشد.

به طور مثال امامان (علیهم السلام) به عنوان سردمداران تبلیغ دین اسلام از تمام وقت خود بهره می‌جستند. چنانچه بخشی از زندگی‌شان در رسیدگی به امور مردم، قسمتی دیگر به تامین معاش و کار و تلاش، ساعت‌هایی به تلاوت آیات قرآن، بخشی به تعلیم، کمی به استراحت، و بخشی، به ذکر

---

۱. عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۷، ص ۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه. ش، ص ۸۹.

۳. عصر (۱۰۳)، آیه ۱.

۴. مومنون (۲۳)، آیه ۳.

خدا و عبادت، اختصاص داده اند. حتی هرگاه به دستور طاغوت زمان، به زندان می‌افتادند، در زندان به عبادت و راز و نیاز با پروردگار خود می‌پرداختند و هرگز وقتشان تباه نمی‌شد. بنابراین وقت، گوهر گران بهایی است که ارزشمندتر از آن چیزی نیست. لذا، باید آن را شناخت و ارج نهاد و از هر چه موجب اتلاف وقت می‌شود، مانند سرگرمی‌های بیهوده، پرداختن به امور بی‌فایده، همنشینی با دوستان ناباب، بی‌نظمی در کار و امور دیگر، خودداری کرد.

مبلغ برای رسیدن به کمال، باید در پرتو عقل، از کوتاه‌ترین راه بهره‌جوید تا به هدف خویش دست یابد. در این مسیر، نظم و انضباط کوتاه‌ترین و بی‌خطرترین راه است؛ زیرا نظم هم‌ردیف ارزش‌های والای اسلامی، و راز و رمز کامیابی انسان‌های بزرگ و راه غلبه بر سختی‌ها و یافتن کاستی‌هاست و عامل تامین نیازهای مادی و معنوی و دستیابی سریع به اهداف و صرف‌جویی در وقت و استفاده بهینه از این گوهر طلایی و محکم کاری و استحکام عمل و مراعات حقوق انسان‌ها است. چرا که انسان منظم و منضبط، زودتر به هدف می‌رسد و از نشاط و تحرکی بیش‌تر برخوردار است و اسوه دیگران و برنامه‌ریزی بهتری خواهد داشت و پیشرفت کار خود را احساس می‌کند و آینده‌نگر و دوراندیش است. از آثار وفوایدی که مبلغ با صرفه‌جویی در وقت و استفاده بهینه می‌تواند بهترین تاثیر گذاری را در کار خود داشته باشد این است که با این کار به حقوق دیگران احترام می‌گذارد زیرا در پرتو نظم است که حقوق افراد مراعات می‌شود.

بنابراین ابلاغ گر دین اسلام با پذیرش این مسئولیت در جای‌جای امر تبلیغی خود باید احترام حقوق دیگران را رعایت کند، چه در وقت حاضر شدن به کار تعلیم و در کلاس‌های تبلیغی و چه در حاضر شدن در سرنماز و چه مواقعی که به زندگی فردی خود متعلق باشد. شاید کوچکترین کاری از طرف او که باعث اجحاف در حق مردم شود باعث برانگیختن بدبینی آنان به کل کسانی می‌شوند که در این راه خدمت می‌کنند. یکی دیگر از میوه‌های شیرین درخت نظم و انضباط، محکم کاری است. کسی که منظم و منضبط است، کارهایش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که استوار و پایدار باشد. چنین کسی، از سستی و سهل‌انگاری در کار بیزار است. مبلغی که به امر تبلیغ مشغول است سعی می‌کند

که همه جوانب را رعایت کرده مثلاً اگر قرار است در فلان روستا یا فلان محله موضوعی را جهت تبلیغ پی گیرد، سعی می کند با استفاده درست از وقت، دقیق و حساب شده مرحله به مرحله پروژه تبلیغی خود را ادامه دهد، اگر مشکلی از هر جهت مانع از کار او شود سستی به خود راه نمی دهد و اجرای آموزه های دینی را معلق به حال خود رها نمی کند. برای آن که تبلیغ، هر چه بهتر و موثر و کار آمد گردد، باید مبلغ به اصول و شیوه های کاربردی آن به خوبی آگاه باشد و در به کارگیری روش های تبلیغی دقت کند.<sup>۱</sup>

بنابراین، مبلغ باید با آگاهی از شرایط و شیوه های تبلیغ و رعایت عنصر زمان و مکان و ویژگی های گوناگون افراد، با تبشیر، انذار، ارشاد، دعوت به حق، امر به معروف و نهی از منکر،... با زبان علم و عمل، رسالتش را به مردم ابلاغ کند.

برنامه ریزی؛ نردبان موفقیت، بهره گیری از لحظه لحظه عمر و راه رسیدن به کعبه مقصود با کمترین امکانات است. انسان با برنامه ریزی می تواند مشکلات احتمالی را پیش بینی و برای آنها راه چاره پیدا کند. اگر قرار باشد مبلغ با امروز فردا کردن و سستی و تنبلی و یابا شتاب بی جا و در نظر نگرفتن اولویت ها که از آفات نظم و برنامه ریزی هستند، کار تبلیغ خود را منظم دنبال نکند یا وظیفه ی خویش را فرو گذارد، به خاطر حق الناسی که برگردن گرفته، هم راه کمال را بر خود خراب کرده و هم مردم را در ظلالت و گمراهی رها کرده است. در نتیجه آموزه های دینی روز به روز اثری کم رنگ در بین جامعه بشری از خود نشان خواهد داد.

سخنرانی که قصد دارد موضوعی را در مجلسی بررسی کرده و مطرح کند اگر موضوع از آن دسته مورد های کاربردی و پربحث باشد تا مخاطب را قدم به قدم به بحث و نتیجه برساند، نمی تواند در همان دیدار اول نتیجه را به آنها تحویل دهد، چون امکان این که مخاطبان در پی نبردن به نتیجه بحث

---

۱. ر.ک. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما گروه معارف، نظم و انضباط، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴.

احساس ناامیدی کرده و دور او را خالی کنند وجود دارد. یا در موردی که قرار است فرد مبلغ، نصیحتی را به مخاطبش متذکر شود اما بدون توجه به اجرای مراحل کار، سریع وارد عمل شده و او را تنبیه زبانی کند نه تنها هشدار او اثرگذار نبوده بلکه اثری معکوس خواهد داشت.<sup>۱</sup>

## ۴-۱. آراستگی

یکی دیگر از عواملی که می تواند بر اثر بخش بودن تبلیغ مبلغ تاثیرگذار باشد، نظم مبلغین در امر تبلیغ است. همانطور که اسلام آراستگی درونی فرد را لازم می داند، نسبت به ظاهر افراد نیز آن را مهم دانسته است. به خصوص کسی که قرار است آموزه های دینی را بر افراد جامعه اش بیان کند، در صورتی می تواند جواب نتیجه ی خود را در کار تبلیغی اش به بهترین نحو مشاهده کند که کار خود را در قالبی زیبا و جذاب چه در ظاهر کلام و چه در ظاهر شخصیتی به مردم ارائه دهد. اهمیت این مسئله نیز در روایات اینگونه آمده است که:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ؛<sup>۲</sup> خداوند از بنده اش این را

دوست دارد که هرگاه نزد برادران دینی اش بیرون می رود، خود را برای آنان آماده و آراسته سازد.»

چرا که این شیوه سبب جذب و جلب دیگران می شود و نفوذ دعوت تبلیغی یک پیشوا را افزایش می دهد.

---

۱. ر.ک. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما گروه معارف، نظم و انضباط، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

آیات و روایات وارد شده در خصوص این موضوع نشان از این دارد که انبیا و اولیای الهی که معدن علوم هستند و مامور بر ترویج آن در بین جوامع بشری می باشند، باید با ظاهری آراسته و تاثیرگذار به انتقال آنها بپردازد.

از جانب دیگر شاید بعضی تصور کنند ساده زیستی که از ضروریات یک مبلغ است با آراستگی ظاهری او منافات دارد، در حالی که بین این دو هیچ گونه تضادی وجود ندارد. می توان هم ساده بود و هم آراسته. همانگونه که اسلام بر لزوم آراستگی مسلمانان تأکید کرده است<sup>۱</sup> و در قرآن مجید می فرماید:

«یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛<sup>۲</sup> ای فرزندان آدم ! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.»

این جمله از قرآن هم می تواند تأکید بر زینت های معنوی داشته باشد و هم زینت های ظاهری را بر انسان لازم بداند.

بنابراین ابلاغ گر دین خدا به گونه ای باید انتخاب شود که بیشترین تاثیر را بر جذب قلوب مردم داشته باشد. امت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز چه در مقابل امت ها و ملت ها و پیروان ادیان دیگر و چه به عنوان الگوی تاثیرگذار بر دیگران، به اسوه ای همچون پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می نگرند که رفتار اجتماعی اش با مردم و نحوه معاشرت او در جامعه، به نحوی بود که محبوب دل ها شده بود و مردم از مصاحبت و هم سخنی و انس با آن حضرت لذت می بردند.

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۹، ص ۲۹.

۲. اعراف (۷)، آیه ۳۱.



بنابراین تبلیغ گر دین الهی با تاسی از پیشوا و مقتدای خویش باید در پی کسب امتیازات تاثیرگذار به خصوص در قسمت ظواهر خود باشد. البته یک مبلغی که به طور غیراکتسابی از زیبایی و جذابیت برخوردار بوده به علاوه ی آراستگی تاثیر کارتبلغی خود را چند برابر می کند.

بنابراین بر مبلغین - که نقش اصلی را در ایجاد ارتباطات ایفا می کنند - لازم است که توجه کافی به این عوامل تاثیرگذار در انتقال پیام دین داشته باشند؛ به ویژه آراستگی و نظافت ظاهری.

البته مطلوب در نظافت و بهداشت این است که سر و صورت، دهان و بینی و موها و نظافت کفش و لباس، به گونه ای باشد که از یک سو، تحریک کننده و سبب حواس پرتی برای مخاطبین نباشد و از سوی دیگر، بتواند در پذیرش پیام دین و عمل به آن تاثیر بگذارد. مبلغ به عنوان سخنران در بین مخاطبان، زیر ذره بین و تابش نور قرار دارد و همه چشم ها به او دوخته شده است. کوچک ترین ناهماهنگی در وضع ظاهری او، مانند قله ی کوه در یک دشت نمودار می شود. به دیگر سخن، سخنران نقطه روشنی است که تمام چشم ها به او خیره است. کوچک ترین ناهماهنگی در وضع ظاهری خطیب، او را به صورت سایه و تصویری مبهم در چشم مخاطبین نمایان می کند. وضع ظاهری سخنران بر روی مخاطبان تاثیر بسیاری می گذارد. شنوندگان همان قدر برای سخنران ارزش قائل می شوند که سخنران برای لباس و وضع ظاهری خودش قائل شده است. وقتی مبلغ با سر و وضع نامرتب در جلوی مستمعین قرار می گیرد، همان طور که خود به سر و وضع و لباسش توجه نکرده، شنوندگان نیز به حرف های او توجهی نمی کنند. آیا احتمال نمی رود که تصور شود افکار خطیب نیز چون وضع ظاهرش در هم آشفته است. رعایت نکردن زیبایی و نظافت ممکن است آفت های روحی و اجتماعی برای سخنران به دنبال داشته باشد. «النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ»<sup>۱</sup>

---

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، محقق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۵، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۴.

از آفت های اجتماعی آن نیز می توان به تنفر عمومی مخاطبان اشاره کرد؛ چرا که چیزی که با فطرت انسان ها در تضاد باشد، موجب تنفر عمومی می گردد. از آنجا که خطیب بیشتر، از راه نطق و سخن تبلیغ می کند، علاوه بر نظافت لباس و بدن به نظافت دهان و دندان نیز باید توجه جدی داشته باشد؛ چرا که گفتن آیات و روایات با دهان خوشبو و دندان های تمیز سفارش حضرات معصومین (علیهم السلام) است: امام صادق (علیه السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کند که:

«جبرئیل همیشه مرا به مسواک زدن سفارش می کرد، به طوری که ترسیدم از مسواک زدن زیاد پوشش دندان هایم از بین برود، یا دندان هایم بریزد.»<sup>۱</sup>

پس ضروری است که یک سخنران به وضع ظاهری خود اهمیت بیشتری بدهد؛ چرا که وضع ظاهری خطیب، چون نطق و سخنرانی اش حامل پیامی است که شنوندگان تیزبین آن را قبل از بیان سخن فرا می گیرند. و اهمیت دو چندان به همراه آراستگی مبلغ در تاثیر تبلیغ خود می گذارد. از جمله در میان حالت های چهره، تبسم و لبخند برای خطیب از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چهره سخنران - قبل از آن که خود سخنران لب بگشاید - با مستمعین سخن می گوید. سخنران متبسم، قبل از شروع کلام، با تبسم خود پیام دوستی و تمایل به ارتباط با مستمعین خود می دهد. به غیر از ظاهر آراسته، تبسم سخنور نیز نوعی ارتباط غیر کلامی شمرده می شود که شنوندگان را آماده شنیدن، توجه و دقت می کند، در مقابل، چهره ی عبوس خطیب، عدم اشتیاق به دیدار دیگران را فریاد می زند؛ زیرا شخصی که در دلش شوق دیدار و ارتباط با دیگران باشد، به طور قطع، چهره ای شاد خواهد داشت.<sup>۲</sup>

شاید بتوان گفت؛ یکی از دلایلی که در آموزه های دینی، به رعایت کردن این عوامل ظاهری سفارش شده است، همین جاذبه های ارتباطی است، مثلاً گفته شده است که امام جماعتی که زیباتر باشد مقدم بر دیگران است؛ زیرا او با این سمتی که عهده دار می شود به طور طبیعی با مردم ارتباط

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۴۴.

۲. مرتضی فدایی، مقاله حسن خلق در تبلیغ، ۸ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، <https://rasekhoon.net>

دارد، و در همین ارتباطات است که پیام دین را به دیگران انتقال می‌دهد؛ بنابراین هر اندازه قیافه او جاذبه بیشتری داشته باشد، افراد با توجه و تمایل بیشتری به سخن و بیان او گوش می‌کنند. یا اینکه سفارش شده است که قرآن را با صدای زیبا بخوانید؛ به دلیل اینکه هنگامی که این پیام آسمانی با صدای دلنشین و جذاب به گوش مخاطبین برسد، اثربخشی بیشتری خواهد داشت.<sup>۱</sup>

اساساً چیزهای ظاهری نظیر نظافت، پوشش مناسب، خوشبو بودن و صدای خوب می‌تواند جاذبه‌های زیادی برای مخاطب داشته باشد، و بر عکس، رعایت نکردن این مسائل می‌تواند حالت تنفر را در مخاطب ایجاد کند و حتی نسبت به خود پیام، او را بدبین و متنفر کند. شما تصور کنید، اگر یک مبلغ اسلامی با لباسی کثیف و چرکین و بدنی متعفن و بدبو، بخواهد پیام دین را به یک جوان پاکیزه و نظیف برساند، آن جوان به سخنانش توجه نکند و ارزشی برای آن قائل نباشد. خانمی که با حفظ حجاب و چادر به عنوان ناصح، در پی امر و نهی و ترویج امورات دینی باشد اما با وضعی کاملاً آشفته و خاک آلود، آیا می‌تواند مخاطب خود را به حفظ و ارزش حجاب راهنمایی کند یا این که اثر معکوسی خواهد گذاشت. بعد از اشاره به بهداشت بدن و دهان و دندان، خوشبویی مبلغ نیز در تاثیر گذاری کار آنها موثر است.

از جمله استفاده از عطریات و مواد خوشبو کننده، که هم عامل نشاط و روحیه خود شخص معطر است و هم به دیگران نشاط و مسرت می‌بخشد و شاید بتوان گفت در زمان فعلی از عوامل جذابیتی که برای یک فرد بخصوص جوانان مهم است استفاده از عطریات باشد. اگر او متوجه شود فردی که با او صحبت می‌کند تمیز و مرتب و خوش سلیقه باشد خود به خود به کلام و رفتار او نیز جذب شود. چه رسد به این که فرد مبلغ و ناصح از مخاطب خود و مثلاً عطر او و رنگ لباس او تعریف کند و در کنار صحبت هایش چند موردی از موارد روانشناسی را نیز چاشنی تعاریف خود کند. همچنین از عوامل دیگری که بر آراستگی فرد مبلغ می‌افزاید استفاده از انگشترهایی که علاوه بر زیبایی ایشان هر کدام از

---

۱. ر. ک. محمود بهشتی نژاد، مقاله مدیریت تبلیغ (۶)، ۸ صبح،

آنها باتوجه به نوع سنگی که دارد خاصیتی را افاده می کند. که این خود می تواند موردی باشد بر جذب و کنجکاوای مخاطبین و خواسته یا ناخواسته در پی جواب خود وارد آموزه ها و ارزش های دینی شود.<sup>۱</sup>

## ۵-۱- درایت و بصیرت

واژه بصیرت؛ با توجه به قرآن و روایات؛ به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان بخشی است که به انسان توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می دهد؛ به گونه ای که راه حق را از باطل به وضوح تشخیص می دهد و از بحران ها و فتنه ها به سلامت عبور می کند. از منظر قرآن؛ در باطن انسان، شعوری وجود دارد که با الهام فطری الهی، می تواند خوب را از بد، و حق را از باطل تشخیص دهد. چنان که در قرآن آمده است:

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»<sup>۲</sup> و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم

ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است.»

در روایتی از امام صادق (علیه السلام)، این الهام فطری، چنین تفسیر شده است:

«یعنی به آن شناساند و الهام فرمود. سپس، او را معییر ساخت و او انتخاب کرد.»<sup>۳</sup>

دیده بصیرت، در واقع، همان شعور فطری و ادراک باطنی موجود در درون انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد، خیر و شر، و حق و باطل را دارد و او را به آینده نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل، دعوت می نماید. این شعور و ادراک، در ابتدای زندگی، به صورت استعداد و اجمال،

---

۱. همان.

۲. شمس (۹۱)، آیه ۸-۷.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، چاپ سوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۴.

در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد و به تدریج، شکوفا می‌شود. شکوفایی این شعور، شکوفایی انسانیت است و فلسفه بعثت انبیای الهی، چیزی جز رشد و بالندگی و شکوفایی انسانیت و سازندگی جامعه مطلوب انسانی نیست.<sup>۱</sup>

با بهره‌گیری از برنامه انبیا در تقویت ادراکات باطنی، قدرت دیده بصیرت، به تدریج، افزایش می‌یابد تا آن‌جا که حقایق معقول، به صورت محسوس برای انسان قابل رؤیت می‌گردند، چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«هیچ بنده‌ای نیست، مگر آن‌که دو چشم در چهره‌اش دارد که با آنها، امور دنیا را می‌بیند و دو چشم در دلش که با آنها امور آخرت را مشاهده می‌کند. پس هرگاه خدا، خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل او است، می‌گشاید و او با آنها، آنچه را خداوند در عالم غیب وعده‌اش را داده است، می‌بیند و به وسیله غیب (چشم دل) به غیب ایمان می‌آورد»<sup>۲</sup>

قرآن کریم زیر بنای دعوت اسلامی را بر بصیرت و تفکر قرار داده و خود راه اجتهاد و درک عقل را برای مردم باز گذاشته است. می‌فرماید:

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»<sup>۳</sup> پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین تفقه کنند؟»

اگر افراد یک جامعه اسلامی بصیرت کافی نداشته باشند به آسانی فریب توطئه‌های دشمنان را خواهند خورد و گوهر گرانبهای وجود خود را با اشیای کم ارزش معامله خواهند کرد. وظیفه خواص

---

۱. محمد محمدی ری شهری، فرهنگ‌نامه بصیرت، مترجم حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳.

۲. علاء الدین علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق، ص ۴۲.

۳. توبه (۹)، آیه ۱۲۲.

جامعه است که بر آگاهی توده مردم بیفزایند و مانع انحراف آنها شوند. حفظ تقوا، خودباوری و دفاع از ارزش‌های اسلامی در تعیین کیفیت بصیرت نقش ممتازی ایفا می‌کند.

مردم در جامعه‌های گوناگون به اعتبار قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها و رفتار دیگران و همچنین میزان تأثیر پذیری متفاوت‌اند. در هر جامعه تعدادی اندک به دلیل موقعیت ویژه‌ای که دارند بر رفتار و ارزش‌های دیگران تأثیر می‌گذارند. این گروه، با نام‌های: خواص، نخبگان، برگزیدگان و... شناخته می‌شوند. گروه دیگر که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند از آنان به عنوان: توده یا عوام یاد می‌شود. مرز میان خواص و عوام همان بصیرت و آگاهی است.<sup>۱</sup>

مبلغان از هر گروه و ارگانی که مسئولیتی را به عنوان مبلغ در جامعه بر عهده دارند، جزء گروه خواص به شمار می‌آیند. بنابراین جهت حفظ ارزش‌های اسلامی و بالا بردن سطح آگاهی مردم ابتدا لازم است، خود در این زمینه غنی و پر بار پا به عرصه‌ی تبلیغ بگذارند.

مبلغ موفق کسی است که علم و آگاهی در مورد موضوع تبلیغی خویش داشته و به راه خود ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد؛ زیرا بدون اطلاعات صحیح و اعتقاد جازم چگونه می‌تواند دیگران را هدایت کند. قرآن در این زمینه به بصیرت و آگاهی کامل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اولین مبلغ و منادی اسلام اشاره کرده و می‌فرماید:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛<sup>۲</sup> ای رسول ما! بگو این است راه من! که

با آگاهی و بصیرت کامل، خود و پیروانم را به سوی خدا دعوت می‌کنم.»

---

۱. بصیرت از نگاه آیات و روایات به چه معنا است؟ و جایگاه بصیرت در مسائل سیاسی جامعه چیست؟، ۸ صبح،

www.islamquest.net، ۱۳۹۴/۴/۲۵

۲. یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۸.

مبلغ اسلامی علاوه بر دارا بودن اطلاعات لازم باید همواره به علم و آگاهی خود بیفزاید و همانند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دعا کند:

«رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ پروردگارا بر دانشم بیفزای.»

جامعه، انتظار آن را دارد که مبلغ در سطح تبلیغی که برای خود قایل است، اطلاعات و آگاهی لازم را داشته باشد، به پرسشهای مخاطبان پاسخ دهد و قدرت اقتناع و اشباع ایشان را داشته باشد.

مبلغ کم سواد و یا بی سواد، حتی اگر رگه هایی از فنون تبلیغ و مهارت اثرگذاری را بداند، اعتباری درازمدت در جامعه ی مخاطب پیدا نمی کند. مردم، به ویژه در زمانه ی ما که هنگام وفور و اعتلای آگاهی ها است ضعف علمی او را کشف می کنند و به سخنان و شخصیت او، اعتبار لازم را نمی نهند.

از این رو، در این زمان، بیش از هر دوره و عصر دیگر، لازم می نماید که مبلغ دین، با درایت باشد، در سطح تبلیغی خود اطلاعات شایسته و بایسته را پیدا کند و سپس به تبلیغ رو آورد.

مبلغ باید آگاهی و بینش دینی و متنوع داشته باشد، با قرآن مانوس باشد، در احادیث غوطه ور شده؛ با افکار نوی مربوط به مذهب و دین آشنا شود؛ اهل تحقیق درباره ی مسائل دینی و افکار دینی باشد؛ نه فقط آشنایی با دین به تنهایی، بلکه در کنار مسائل دینی، پاره ایی افکار فلسفی و بینش های اجتماعی است که از آنها هم باید طعمی چشیده و آگاهی کسب نماید.<sup>۲</sup>

مبّلی که می خواهد پیامی را نشر و انتقال دهد، قبل از هر چیز باید زوایای آن را به درستی بشناسد و بدون تکیه به اقوال این و آن، شخصاً به تفحص و تحقیق بپردازد. قرآن به ما دستور می دهد:

---

۱. طه (۲۰)، آیه ۱۱۴.

۲. مقاله آموزش دین به مردم، ۸ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، <http://www.hawzah.net/fa>

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛<sup>۱</sup> از آنچه که به آن علم نداری، پیروی مکن.»

همچنین حضرت علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«عَلَيْكُمْ بِالذَّرَائِعِ لَا بِالرُّوَايَاتِ؛<sup>۲</sup> بر شما باد به درایتها و (دقت) نه به نقل قول ها(ی بدون

بررسی»

بر این اساس، مبلغ باید پیام خود را با تکیه بر آگاهی های لازم و جستجوهای علمی به مردم برساند. نکته های تبلیغی و بحث هایی که سخنران و منبری برای مردم مطرح می نماید، اگر بر معرفت و برهان و تحقیق استوار نباشد، نه تنها مبلغ را به هدف نزدیک نمی گرداند، بلکه حتی مستمعین را از مقصد اصلی دور می کند. عدم تدبیر و یا بی مبالاتی مبلغ دین، می تواند احترام جایگاه و منزلت تبلیغ دین را در هم بشکند؛ از آثار مثبت تبلیغ بکاهد و مسند تبلیغ دین را خوار و خفیف سازد. افزون بر آن که در مواردی، معضلی بر معضلات جامعه ی مخاطب بیفزاید، آنان را در گیر و دار مشکلات خود ساخته ی بی تدبیری مبلغ بیفکند و بر مسائل مخاطبان، مساله و یا مساله هایی اضافه کند.<sup>۳</sup> مبلغ باید موقعیت و حد و مرز علمی خود را بشناسد و با توجه به آن مطالب خود را انتخاب و ارائه کند. وانگهی باید این نکته را ملحوظ داشته باشد که صرفاً از امور مُسَلَّم و محتوم و یقینی دفاع کند و تمام عنایت و هم و غم خویش را صرف این حقیقت نماید که امور قطعی و لا یتغیر را در وهله نخست به مردم معرفی کند و از چنین اموری به دفاع برخیزد و برای اثبات آن بردباری، استقامت و مقاومت بروز دهد. مقدمه این کار، آن است که شخصاً با قرآن و احادیث و روایات صحیح و مورد اطمینان آشنا گردد و سپس دیگران را با این حقائق مأنوس سازد. احتمال دارد مبلغی با حکایت ها و مثال ها، آواز خوب و جاذبه هنری به طور مقطعی اعتماد مردم را جلب کند، اما مهم تر از این برنامه، جلب کردن

۱. بقره (۲)، آیه ۱۱۱.

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، همان، ج ۲، ص ۱۶۰.

۳. مقاله آموزش دین به مردم، ۸ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، <http://www.hawzah.net/fa>



توجه صاحب شریعت است. برای اینکه بتواند معارف اسلامی و علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را به درستی معرفی کند، لازم است در این جهت کوششی مداوم داشته باشد و برای وسعت بخشیدن به آگاهی‌های خویش به مطالعه و بررسی منابع روی آورد.

وقتی احاطه پیام رسان به منابع دینی رو به افزایش رفت، بهتر می‌تواند معتبر را از نقل‌های سست تشخیص دهد و قادر خواهد بود با استدلال و برهان از مبانی ارزشی دفاع کند و به شبهه‌ها و سؤالات مطروحه در این باره پاسخ دهد و مردم را از راهروهای تردید به بوستان معرفت برساند.<sup>۱</sup>

یک مبلغ توانا علاوه بر اطلاعات دینی، در کارهای اجتماعی، سیاسی و عمرانی نیز باید دارای اطلاعات و آگاهی باشد. چرا که انجام دادن برخی از این کارها که گاهی بر مبلغ نیز لازم می‌شود، بدون آگاهی لازم، سیر در بیراهه است و برازنده یک مبلغ نیست.

با توجه به شرایط زمانی، و هجمه و تبلیغات سوء دشمنان علیه نظام مقدس اسلامی - که متأسفانه گاه در لباس خودی‌ها صورت می‌گیرد - ضروری است یک مبلغ موفق چون مولای خویش از مسائل سیاسی روز، آگاهی کافی داشته باشد که حضرتش فرمودند:

«وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَالِبُهَا وَ يَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا»<sup>۲</sup> به خدا سوگند مانند کفتار نیستم که به خاطر صدای شکارچیان [سر در لانه خود فرو برده و] می‌خوابد تا طلب‌کننده اش به او برسد و دستگیر کننده اش به او نیرنگ بزند.»

یعنی از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم. بنابراین مبلغی بصیر و آگاه است که بنا بر مقتضیات جامعه و زمان بر مسائل روز کاملاً مسلط، درد‌های جامعه را درمان و حتی قبل از به وجود آمدن دردی جو جامعه را نسبت به آن واکسینه کند. مبلغ از بالاترین مقام گرفته تا آخرین حلقه،

---

۱. مقاله مبلغ و دانش و اندیشه، مجله مبلغان، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۴، شماره ۶۶.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، همان، خطبه ۶، ص ۵۳.

می طلبد که در هر فعالیتی از مشورت با افراد آگاه و همکار شایسته غفلت نکند. چرا که استبداد در فکر و نظر، از مهم ترین عوامل لغزش انسان است که مشورت با آگاهان جامعه، آدمی را در برابر چنین لغزشگاه هایی بیمه می کند.<sup>۱</sup>

شهید مطهری (رحمته الله علیه) که گویا دل پری از دست جاهلان مقدس نمایی از این دست داشته است در چندین مورد از آثار خویش به شدت از جهل و بی بصیرتی افراد گلابه کرده و در جایی می نویسد:

«هر وقت جاهل ها و نادان ها و بی خبرها، مظهر قدس و تقوا شناخته شوند و مردم آن ها را سبیل مسلمان عملی بدانند، وسیله ی خوبی به دست زیرک های منفعت پرست می افتد. این زیرک ها همواره آنها را آلت مقاصد خویش قرار می دهند و از وجود آنها سدی محکم جلوی افکار مصلحان واقعی می سازند. بسیار دیده شده است که عناصر ضد اسلامی رسماً از این وسیله استفاده کرده اند، یعنی نیروی خود اسلام را علیه اسلام به کار انداخته اند. استعمار غرب تجربه ی فراوانی در استفاده از این وسیله دارد و در موقع خود، از تحریک کاذب احساسات مسلمین خصوصاً در زمینه ی ایجاد تفرقه میان مسلمین بهره گیری می نماید.»<sup>۲</sup>

لذا وظیفه ی مبلغ است که هم بر بصیرت خود بیفزاید و نفس خود را به راه کمال هدایت کند و موجب افزایش بصیرت در مخاطبان خود گردد.

## ۶-۱. پیشگامی در عمل

پیشگامی در عمل نیز از موارد اخلاق فردی یک مبلغ است. چه بسا این مورد از اخلاق مبلغ نسبت به دیگر موارد بیشترین تاثیر گذاری را در ترویج و تبلیغ او خواهد گذاشت، لذا نتیجه و جواب دیگر

---

۱. محمد قربانی مقدم، شناسایی آفات بصیرت در نهج البلاغه، ۹ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵،

<http://www.farsnews.com>

۲. مرتضی مطهری، همان، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

موارد چه آن هایی که اشاره کردیم و چه آن هایی که در فصل دوم اشاره خواهیم کرد، همه در این مورد انعکاس خواهد یافت و به عبارت دیگر یک مبلغ دینی پس از کسب آگاهی و قبل از آن که دیگران را به خداپرستی دعوت کند، باید خویشتن خود را ارشاد کند و «مهارت» لازم را در عمل کردن به دستورات خداوند به دست آورد؛ زیرا اولین مخاطب فرمان های الهی خود اوست، لذا قرآن کریم همواره عالمان تهی از عمل را مورد سرزنش قرار می دهد و آنها را مورد غضب حضرت حق می داند و می فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ\* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟ در نزد خدا زشت است که چیزی بگوئید و به آن عمل نکنید.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با ارائه الگوی انسان کامل در زندگی شخصی و عملی خویش، مبلغ واقعی دین و آیین خدا گردید. این عمل بسیار تأثیرگذار بود به گونه ای که حتی کسانی را که افکار انحرافی در سر می پروراندند به طرف خود جذب نمود. نیک آشکار است که کارآیی سخن و تبلیغ زبانی در برابر کارآیی عمل بسیار ناچیز است. به همین جهت پیشوایان دینی ما به این امر اهتمام می ورزیدند. در روایت آمده است که:

«روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با جمعی نماز می گزارد و حسین (علیه السلام) در حالی که خردسال بود نزدیک ایشان بود. هرگاه پیامبر به سجده می رفت حسین (علیه السلام) می آمد و بر پشت ایشان سوار می شد و هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می خواست سر از سجده بردارد، ایشان را می گرفت و در کنارش می نهاد و وقتی به سجده می رفت آن حضرت مجدداً بر پشت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سوار می شد. او پیوسته چنین می کرد تا آنکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از نماز فارغ شد. در

این هنگام مرد یهودی گفت: ای محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) شما با کودکان کاری انجام می‌دهید که ما چنین نمی‌کنیم. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشته باشید، به کودکان مهربانی می‌کنید. مرد یهودی گفت: من به خدا و فرستاده‌اش ایمان آوردم! بدین ترتیب با دیدن این بزرگواری از پیامبر با آن عظمت، اسلام آورد.<sup>۱</sup>

یک فرق میان مکتب انبیا و مکتب فلاسفه و حکما این است که حکما تنها اهل نظریه و تعلیم و تدریس می‌باشند و سروکارشان تنها از راه زبان با افکار و ادراکات بشر است، ولی پیغمبران به آنچه می‌گویند، قبل از آن که از دیگران تقاضای عمل بکنند، خودشان عمل می‌کنند، و لهذا تا اعماق روح بشر نفوذ می‌نمایند، قلب و احساسات بشر را تحت تصرف خویش در می‌آورند.<sup>۲</sup> امام علی (علیه السلام) نیز پیشگام و پیشقدم در همه صحنه‌ها چون چراغی روشنایی می‌بخشید. خود درباره پیشگامی خویش می‌فرمایند:

«ونطقت حين تعتوا ومضيت بنور الله حين وقفوا وكنت اخفضهم صوتا واعلاهم فوتا فطرت بعنانها واستبددت برهانها كالجيل لاتحرکه القواصف ولا تزيله العواصف لم يكن لاحد في مهمز ولا لقائل في مغمز؛<sup>۳</sup> و همان زمان که همه لب فرو بسته بودند، من سخن می‌گفتم و آن وقت که همه توقف کرده بودند، من با [راهنمایی] نور خدا به راه افتادم. صدایم از همه آهسته تر اما از همه پیشگامتر بودم. زمام امر را به دست گرفتم و جایزه سبقت در فضایل را بردم. همانند کوهی که تندبادها آن را به حرکت در نمی‌آورد و طوفان‌ها آن را از جای بر نمی‌کند، هیچکس نمی‌توانست عیبی در من بیابد و هیچ سخن چینی جای طعن در من نمی‌یافت.

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۹۶.

۲. عبدالرحیم موگهی، تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۶۷.

۳. محمدبن حسین شریف الرضی، همان، خطبه ۳۷.

بنا براین مبلغ، نه تنها در مقام تبلیغ و رساندن، بلکه در عمل نیز باید خود نخستین عمل کننده پیام و محتوای آن باشد تا از سویی، اطمینان و اعتماد مخاطب را جلب کند. اگر مبلغین، علاقه داشته باشند که مردم پیام هایی را که از طرف آنها تبیین می شود، به طور صحیح و مؤثر دریافت کنند و به آن جامه عمل بپوشانند؛ باید خود آنها، قبل از دیگران به محتوای کلامشان پایبند باشند. به عنوان مثال؛ اگر گوینده ای مخاطبین خود را به نظم و دقت در کارها سفارش کند، ولی خودش در عمل، انسان منظم و دقیقی نباشد؛ این دوگانگی در گفتار و عمل موجب می شود که افراد، ارزشی برای پیام و گفتار او قائل نشوند؛ اما پایبندی گوینده به نظم و دقت، آنها را علاقه مند به این دو خصلت می کند.<sup>۱</sup>

مبلغی که منظم و سر وقت نماز و منبر را شروع کرده و به پایان رساند، مبلغی که حرف از ساده زیستی و کمک به دیگران می زند و خود نیز رعایت کند، وقتی حرف از جهاد و معروف و منکر می زند، خود از جمله کسانی است که قدم پیش می گذارد، شیرینی منبر و سخنرانی او در ذائقه و ذاکره ی مخاطبینش باقی خواهد ماند. و چه بسا در طی زمان اثرات سخن او در اعمال مردم نیز مشهودتر شود. اینجاست که سخن در کنار عمل موثر خواهد بود. سخن (به تنهایی) از زبان بیرون می آید و از گوش می گذرد، ولی عمل، موجی و انعکاسی عمیق در روح دیگری پدید می آورد. اثر سخن هم وقتی هست که توأم با ایمان و عقیده و داغی روح باشد، و اگر روح با ایمان بود، قهراً عمل را هم به دنبال دارد و بی اثر نمی ماند.<sup>۲</sup> اساساً اشتباه برخی از روحانیون در این است که برای گفتن و نوشتن و دستورالعمل، بیش از اندازه ارزش قائل هستند و از آن انتظار دارند، و در نتیجه از گوش افراد، نیز بیش از اندازه انتظار دارند و فکر می کنند همین که معارف دین را از طریق سخنرانی یا کتاب، تشریح کردند و مردم آگاهی یافتند، جامعه اصلاح می شود. در حالی که واقعیت این است که سخن اگر از جان بیرون آید، لاجرم بر دل نشیند، و گرنه از گوش شنونده تجاوز نمی کند. علی (علیه السلام) می فرماید:

---

۱. مدیریت تبلیغ ارتباطات (۶)، ۹ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵، <http://library.tebyan.net>

۲. مقاله تاثیر عمل در هدایت، ۹ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، <http://www.tahoor.com/fa>

«الكلمة اذا خرجت من القلب وقعت في القلب واذا خرجت من اللسان لم تتجاوز الاذان؛<sup>۱</sup> هنگامی که سخن از قلب خارج شود در قلب وارد می‌شود و هنگامی که [تنها] از زبان خارج شود از گوش‌ها تجاوز نمی‌کند.»

این که مبلغین و روحانیون در صدد اجرا و فراهم آوردن همایش‌ها و سخنرانی‌ها و بالا بردن سطح مقاله‌نویسی و تحقیقات هستند، برای اقدامات اولیه کاری بسیار ارزنده است. اما اگر علاوه بر بالا بردن محتوای کار بتواند کیفیت عمل را نیز در سطح جامعه بالا ببرند و خود پیشاهنگ آن شوند مردم نیز به دنبال آن وارد عمل می‌شوند. در طی سال‌های آغازین انقلاب اسلامی همه ارگان‌ها و به خصوص بسیج و مردم دست به دست هم در کمال سادگی و صفا عمل را به عرصه‌ی اجتماع آورده انقلاب نو پا را رشد و توسعه دادند. اما متأسفانه در سال‌های اخیر، برخی از مبلغین و روحانیون آن گونه که باید از طریق عمل اقدام نمی‌کنند بلکه فقط در سطح شعار مانده‌اند. اگر این دسته از مبلغین دل به رسالت و مسئولیت خویش می‌دادند و مانند علمای دهه‌های قبل و حتی برخی از علمای حاضر از اعماق جان، دلسوز اسلام و مسلمانان بودند اسلام و شیعه‌ی واقعی را در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی به چشم می‌دیدیم.<sup>۲</sup>

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت<sup>۳</sup> که فرد مبلغ با نیت خالص و در کمال فروتنی و ساده‌زیستی و با برنامه‌ریزی هدفمند، با رعایت آراستگی و با درایت کامل در تمام سخنان و تبلیغات خود پیشگام در عمل باشد.

---

۱. عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، همان، ج ۲۰، ص ۲۸۷.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، تهران: صدرا، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳.

۳. ر.ک. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما گروه معارف، نظم و انضباط، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴.

## فصل دوم: نقش اخلاق اجتماعی مبلغ

۱. خوش خلقی و گشاده رویی

۲. سعه ی صدر

۳. صبر و بردباری

۴. عفو و گذشت

۵. نصیح و خیر خواهی

۶. مردمی و دلسوز بودن

رشد و شکوفایی فرهنگ ها به تناسب گستره اوجی است که از حصارها و مرزهای تنگ جغرافیایی می گیرند و یک مکتب و ایدئولوژی به همان میزان می تواند بیشتر عمر کند که بتواند با مردمان بیشتری از جوامع بشری بوسیله تبلیغ مبلغ رابطه برقرار کند. اسلام با خصلت جاودانگی رسالتش، همگانی بودن دعوت و تبلیغ را طلب می کند، زیرا معارف و تعالیم زنده و والای این آیین جاودان اگر نشر و ابلاغ نشود و درست تفسیر و بیان نگردد، نه تنها مکتب و دین مهجور گشته و انسان مسلمان به عنوان یک مکلف باید پاسخگویی آن در پیشگاه خدا باشد، بلکه بر بشریت هم ستم شده است که انسان های مستعد رشد و شکوفایی، گرفتار جهل و اسیر زنجیرهای استکبار و رهسپار راه شقاوت گردیده اند و از جانب دیگر مبلغ دین برای حفظ پیروان و تقویت بنیه معنوی و آگاهی آنان و جذب دیگران، نیازمند صفت اخلاق هستند و بزرگترین نقش را در معرفی، نشر، حفظ و حراست اصول مبانی آنها و پیروانشان ایفا می کند. بنابراین با توجه به این نکات به تبیین و تعریف صفت پسندیده اخلاق اجتماعی مبلغ در ترویج آموزه های دینی پرداخته می شود.

## ۱-۲. خوش خلقی و گشاده رویی

خوش خلقی و گشاده رویی از برجسته ترین صفت هایی است که در معاشرت های اجتماعی، موجب جلب محبت می شود و در اثربخشی سخن فرد بر دیگران، اثری شگفت انگیز دارد. از این رو، خدای مهربان، پیامبران و سفیران خود را از میان انسان های عطف و نرم خو برگزید تا بتوانند بهتر در مردم اثر بگذارند و آنان را به آیین الهی جذب کنند. این مردان بزرگ، برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی، با بهره مندی از حسن خلق و شرح صدر، چنان با ملایمت و گشاده رویی با مردم رفتار می کردند که نه تنها هر انسان حقیقت جویی را به آسانی شیفته خود می ساختند و او را از زلال هدایت سیراب می کردند، بلکه گاهی دشمنان را نیز شرمنده و دگرگون می کردند. خداوند کریم، اخلاق نیکوی پیامبر را عنایتی از جانب خویش می داند و می فرماید:



«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛<sup>۱</sup> در پرتو رحمت و لطف خدا، با آنان مهربان و نرم خو شده ای و اگر خشن و سنگ دل بودی، از گردت پراکنده می شدند.»

بسیار رخ می داد که افراد، با قصد دشمنی و آزار دادن پیامبر خدا به حضور ایشان می رسیدند، ولی نه تنها به ایشان اهانت نمی کردند، بلکه با کمال صمیمیت، اسلام را می پذیرفتند و از آن پس، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) محبوب و مراد آنان می شد.<sup>۲</sup>

بنابراین یکی از عوامل مهم دوست یابی و جذب افراد گشاده رویی و خوش اخلاقی یک مبلغ است. مبلغ با قدرت اخلاق می تواند دوستان فراوانی برای خود بیابد. و دوستی های خود را محکم و پایدار کند.

به عقیده اهل عرفان، محبت و ارادت به انسان های پاک و کامل همچون دستگاه خودکاری، خودبه خود رذائل را جمع می کند و بیرون می ریزد. حالت مجذوبیت اگر در فرد ایجاد گردد از بهترین حالات است و تصفیه گر و نبوغ بخش می باشد.

بنابراین بهترین زمان برای تبلیغ، موقعی است که عواطف مثبت در مخاطبان به وجود آمده باشد؛ چون باعث دید مثبت مخاطبان درباره ما می شود. این حالات، از دو طریق بر جاذبه میان فردی ما و مردم تأثیر می گذارند:

الف. مخاطبان ما مایل اند که افراد و یا اموری را دوست بدانند که احساس خوشایندی در آنها به وجود می آورند و آنان را که اثر ناخوشایندی را در آنها به وجود می آورند، دوست نداشته باشند. طبق همین اصل است که یک مبلغ با زیرکی تمام از همان آغاز ارتباط، باید نقاط قوت مخاطب را پیدا کند

---

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

۲. مقاله حسن خلق و تأثیر آن بر دیگران، ساعت ۲۲، ۱۵/۵/۱۳۹۴، [www.rbn.blogfa.com](http://www.rbn.blogfa.com).

و آنها را صادقانه ستایش کند. سپس باید سعی کند رفتار و گفتار او بیشترین پاداش و کمترین هزینه را برای مخاطب داشته باشد. البته تعریف و تحسین طنزآمیز، فریبکارانه، غیرصادقانه، ابلهانه و به طور غیرموجه مبالغه آمیز، برای آنها پاداش دهنده و باعث دوست داشتن نیست. برعکس، انتقاد تکامل بخش و درست، ممکن است اثر بیش تری در ایجاد علاقه داشته باشد.<sup>۱</sup>

مبلغ باید توجه کند که مردم، بدون عیب نیستند و اگر او بخواهد از همان ابتدای فعالیت تبلیغی، خرده گیری کند، مردم از گرد او پراکنده می شوند. او باید بداند که در یک زمان اندک، تمام اشکالات آنها را نمی تواند اصلاح کند. در واقع، وی در روزهای اول برای بیان این اشکالات، زمینه و وسع پیدا نکرده است. این زمینه، زمانی در او پیدا می شود که بین او و مردم، جاذبه میان فردی به وجود آمده باشد و آنها از او حرف شنوی داشته باشند؛ اما باید دقت کرد که در این مدت به گونه ای عمل نکنیم تا مردم، برخورد ما را تأییدی برای کارهای اشتباه خویش بدانند.

ب. ارزیابی از یک فرد خنثی، در زمانی که عواطف مثبت او برانگیخته شده با زمانی که عواطف منفی برانگیخته شده فرق دارد. بهترین زمان برای اثرگذاری، زمانی است که در افراد، عواطف مثبت برانگیخته شده است. این قانون درباره افرادی صادق است که دید موجود نسبت به آنها دید خنثی است.

برخی از این روش ها که باعث پدید آمدن عواطف مثبت جهت ایجاد خوش خلقی می شود عبارتند از:

۱. اعلام دوستی: اگر به مردم اعلام کنید که دوستشان دارید، احساس محبت آنها به شما نیز

برانگیخته می شود. امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

---

۱. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)، تهران: صدرا، ۱۳۶۳، ص ۷۳.

«هرگاه کسی را دوست داشتی، او را از آن آگاه ساز که این کار، دوستی میان شما را پایدارتر می-

کند.»<sup>۱</sup>

۲. هدیه دادن: هدیه، سمبل عاطفه و محبت است و باعث افزایش محبت افراد به یکدیگر می شود. یک مبلغ با حداقل هزینه می تواند به همه هدیه بدهد؛ برای مثال با یک شیشه عطر، می تواند لباس افراد زیادی را خوشبو کند و از جمله این موارد، شکلات و سایر تنقلات ارزان قیمت است.

۳. پرسیدن از نام و حال: افراد به نام خود علاقه ویژه ای دارند و پرسیدن از نام و نشان آنها و به زبان آوردن آن، احساس خوشایندی در ایشان ایجاد می کند و به دوستیها استحکام می بخشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«إذا جاء الرجل فاسأله عن اسمه و اسم أبيه و ممن هو فإنه أوصل للمودة؛<sup>۲</sup> هرگاه، شخصی پیش تو

آید، از نام او و نام پدرش و اینکه او کیست بپرس که این کار به محبت، استواری می بخشد.»

۴. سلام کردن: سلام، نوعی اعلام محبت، دوستی و اظهار مهر و آشتی در آغاز گفتگو است که معمولاً با حالت عاطفی خوشایند، توأم است.

۵. دست دادن: فشردن دست، هنگام رویارویی سبب رفع کینه ها و زمینه ساز ازدیاد محبت است. دست دادن از نشانه های کامل بودن دوستی است.

۶. معانقه: امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید:

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، گزیده کافی، محمد باقر بهبودی، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش، ۳۵۲.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳.

«إِنَّ مِنْ تَمَامِ التَّحِيَّةِ لِلْمُقِيمِ الْمُصَافِحَةَ، وَ تَمَامِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُسَافِرِ الْمُعَانِقَةَ؛<sup>۱</sup> تحیت کامل به

شخص مقیم با دست دادن به اوست و سلام کامل برای آنکه از سفر آمده به معانقه کردن با اوست.»

پس در بدو ورود به محل تبلیغ، معانقه کردن، یکی از کاربردی ترین روش ها برای ایجاد جاذبه

میان فردی است.<sup>۲</sup>

بنابراین مبلغی که درصدد اصلاح نفس خود و جامعه می باشد باید با همت مردانه و حریت فکر و بلندی نظر رفتار کند و در برخورد با مردم خوش رفتار و خوش رو باشد یکی از آفات مبلغ در این باره این است که مبلغ خوش اخلاق و خوش برخورد نباشد چه رسد به این که بد اخلاق هم باشد. اگر چنین شد باید بداند که رفتار و کردار او باعث دوری و تنفر مردم از او خواهد شد. و چون او مبلغ اسلام است و اسلام بر اخلاق و رفتار نیک سفارش نموده و قرآن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را بر اخلاق عظیم ستایش کرده و او با وجود این که شغل پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) را داراست اگر رفتار پیامبر گونه نداشته باشد طبیعتاً تأثیر بدی روی مردم خواهد گذاشت و ممکن است وقتی مردم او را ببینند از او خوششان نیاید.<sup>۳</sup>

گشاده رویی با مردم بدین معنا نیست که همه ی مشکلات ما حل شده و چون از هر جهت از گرفتاری ها رها شده ایم، چنین شاد و خوشحال هستیم، بلکه در واقع مهم نوع برخورد با مشکلات است.

---

۱. عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، مصحح هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق، ص ۵۲۶.

۲. مقاله شیوه های جذب مخاطب در تبلیغ، مجله مبلغان، آبان و آذر ۱۳۸۷، شماره ۱۰۹.

۳. شاکر برخوردار فرید، آفات الطلاب، تهران: لاهوت، ۱۳۸۵، ص ۹۴.

مؤمن با تکیه و توکل بر خداوند و با توجه به تفسیر معنادار رخدادهای هستی و زندگی، از یک سو نمی‌گذارد مشکلات و اندوه‌ها چنان بر او سایه افکند که بر سیمایش ظاهر شود؛ از سویی دیگر در جایی هم که محزون شد، حزنش را در درون حبس می‌کند و نمی‌گذارد به دیگران انتقال یابد.

شاید راز روایت «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه»<sup>۱</sup> مؤمن شادی اش در چهره، اندوهش در دل اوست»، همین نکته باشد.

چنانچه مقام معظم رهبری (مدظله شریفه) در سخنی می‌فرماید:

«در آموزشها، اخلاق و ادب و مهربانی و عطوفت، دائماً در مد نظرتان باشد ... طوری برخورد بکنید که شاگرد، در شما احساس مهربانی بکند. در این صورت است که سخن حق، جای خودش را باز خواهد کرد... خدای متعال به پیامبرش (صلی الله علیه وآله وسلم) که بزرگترین آموزگار و قویترین صاحب بیان، از اول تا آخر تاریخ است ... می‌فرماید: ( و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك) اگر بداخلاق بودی، از اطرافت متفرق می‌شدند. با این که حرف پیامبر، حرف درستی است و از حرف ایشان، حرفی محکمتر وجود ندارد؛ اما همین صاحب حرف محکم، اگر بداخلاق بود، حرفش را قبول نمی‌کردند.»<sup>۲</sup>

## ۲,۲. سعه ی صدر

از شرایط لازم و کارساز برای یک مبلغ دینی واز وظایف نخستین در مواجهه ی اجتماع برای یک مبلغ و داعی الی الله، سعه ی صدر است. شرح صدر به معنی توسعه، توانایی و آمادگی قلب، فکر و

۱. محمدبن باقر مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۳۰۵.

۲. مرتضی فدایی، مقاله حسن خلق در تبلیغ، ساعت ۲ بعدازظهر، ۱۳۹۴/۵/۱۵.

روح آدمی در پرتو انوار و الطاف الهی برای دریافت و پذیرش حقایق و معارف دینی و تحمل و شکیبایی در برابر ناملایمات و مشکلات تبلیغ دین است.

مبلغ که در اجتماع با افراد مختلفی سروکار دارد و با افکار و عقاید متفاوتی روبرو می شود، چونان انبیای بزرگ الهی که وقت اعزام به تبلیغ دین خدا از خداوند شرح صدر می خواستند، باید از خداوند منان طلب سعه ی صدر بنماید. حضرت موسی (علیه السلام) وقتی به همراه برادرش هارون، جهت تبلیغ دین خدا برای بنی اسرائیل و دعوت فرعون به سوی خدا، با دنیایی از مشکلات، درگیری ها، جنگ ها و تندخویی ها و... روبرو می شود، دست نیاز به درگاه بی نیاز برمی دارد و عاجزانه از خداوند درخواست می کند که «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛<sup>۱</sup> پروردگارا سینه مرا گشاده دار.»

شرح صدر نعمتی است که خداوند به خاطر آن بر پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) منت می گذارد، و می فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ؟<sup>۲</sup> (ای پیامبر) مگر ما سینه ات را نگشادیم.» از این بیان فهمیده می شود که سعه ی صدر امری مهم برای یک مبلغ است. در کار تبلیغی معمولاً سنگ اندازی، ناراحتی، غم، مشکلات، سختی ها و شکست ها، زخم زبان ها و... بر روحیه ی انسان اثر می گذارد، یک مبلغ موفق باید با درایت و مدیریتی خاص بتواند از کنار این ناملایمات عبور کند و با سرپنجه ی تدبیر برای رفع آن ها بکوشد و این نیازمند شرح صدر است.<sup>۳</sup> کسی را که خدا بخواهد هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام گشاده می سازد و آن کس را که بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می سازد که گویا می خواهد به آسمان بالا رود. این صفت روحی برای کسانی که ریاست، مدیریت رهبری و هدایت دیگران را به عهده دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر مبلغ در

---

۱. طه (۲۰)، آیه ۲۵.

۲. انشراح (۹۴)، آیه ۱.

۳. مقاله اسرار موفقیت مبلغ از دیدگاه نهج البلاغه (۲)، ۳ بعدازظهر،

برنامه تربیتی و هدایتی اش از این صفت الهی برخوردار نباشد، در انجام رسالت تبلیغی اش ناکام خواهد ماند و بار امانت دعوت و تبلیغش را به سر منزل مقصود نخواهد رساند،<sup>۱</sup> مبلغ با ایمان، از زخم زبان ها و طعنه های منکران غمگین نمی شود و صبر پیشه می کند و می داند که عزت برای خداست و او شنوا و داناست؛ «وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۲</sup>

او آرام و منطقی، همچون اولیای الهی، تهمت های دشمنان و جاهلان را پاسخ می دهد؛ به هود (علیه السلام) گفتند:

«إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»<sup>۳</sup> ما تو را بی خرد می یابیم و گمان می کنیم که از دروغگویان باشی.»

هود گفت: «يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup> ای قوم مرا سفاهتی نیست بلکه من رسول پروردگار جهانیان هستم.»

آری کسی که قدم در مسیر رسولان الهی گذارده باید همانند آنان صبور باشد و با تهمت ها، شایعات و دروغ پردازی های دشمنان، سنگر تبلیغی خود را رها نکند. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»<sup>۵</sup>

بنابراین یک مبلغ موفق باید دارای سینه ای گشاده باشد تا بتواند همه این مشکلات را در آن جای دهد. تحمل مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عقاید مخالفین در تبلیغ امری است لازم و ضروری که اگر کسی نتواند از نعمت الهی سعه صدر استفاده کند، در امر تبلیغ دچار مشکل می شود.

۱. مقاله اخلاق مبلغ، مجله حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، شماره ۳۹.

۲. یونس (۱۰)، آیه ۶۵.

۳. اعراف (۷)، آیه ۶۶.

۴. اعراف (۷)، آیه ۶۷.

۵. احقاف (۴۶)، آیه ۳۵.

هر چه قدر انسان در، درگیری های پیش آمده قدرت و قوت خود را به کار گیرد و با تحمل، سختی ها را به جان بخرد، بازده تبلیغش بیشتر خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) در فقراتی از نامه ای که به عثمان ابن حنیف انصاری فرماندار بصره نوشتند با مثالی زیبا ضمن فرق گذاردن بین انسان هایی که دارای توان تحمل بیشتری هستند و کسانی که از قدرت تحمل کمتری برخوردارند، فرمودند:

«إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَالنَّابِتَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأُ حُمُودًا»<sup>۱</sup> آگاه باشید درختان بیابانی چوبشان محکم تر است اما درختان سرسبز (که همواره در کنار آب قرار دارند) پوستشان نازکتر (و کم دوام ترند).

درختانی که در بیابان روئیده و جز با آب باران سیراب نمی گردند، آتششان شعله ورتر و پر دوام تر است. مبلغان اعزامی به مناطق کشور که با انواع و اقسام محرومیت ها و مشکلات مواجه می شوند، باید با سعه ی صدر چون درختان بیابانی با تحمل شدائد در راه تبلیغ دین خدا، با شعله های بیشتر و پرتوان تر، انسان های بیشتری را جذب فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) کنند. بنا براین کسی که تحمل حرف ها، تندی ها و بد اخلاقی ها را در (مکتب صبر) تمرین و تجربه کرده باشد، می تواند در ارتباط با مردم، به خدمت خویش و حضور کریمانه در کنارشان ادامه دهد. خود تحمل و مقاومت، برای انسان، هوادار درست می کند. بردباری نشان دادن، خشمگین نشدن، از آثار این (ظرفیت) است. کسی که از این ویژگی اخلاقی برخوردار باشد، از یاری و حمایت دیگران هم برخوردار خواهد بود. باز بشنویم از کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرمود: «بِالْحِلْمِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ»<sup>۲</sup> و نیز این کلام نورانی

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، محقق فیض الإسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۱۸.

۲. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۸۷.



حضرت «بِالْحَيْمَالِ وَالْحِلْمِ يَكُونُ لَكَ النَّاسُ أَنْصَارًا وَأَعْوَانًا» که هر دو سخن، معنای مشابه دارد، در سایه‌ی حلم و بردباری و تحمل است که یاوران زیاد می‌شوند و مردم، پشتیبان و حامی تو می‌گردند. این خصلت، به ویژه برای کسانی که با مردم در تماس و ارتباط بیشتری هستند و در معرض مراجعات، طرح سوال ها، نیازها، توقعات و مشکلاتند، ضروری تر و از مهمترین صفات شایسته برای مسؤلان است.<sup>۲</sup> و بدانند ارشاد و تربیت مردم به صبر و حوصله و داشتن روحی بزرگ و تحملی قابل توجه نیاز دارد. با این روحیه است که مشکلات آسان می‌شود. همچون چرخ تراکتور چون بزرگ و پهن است، موج ها و دست اندازها را به راحتی و آسانی رد کرده و می‌گذرد و کارش را انجام می‌دهد و چرخ دو چرخه چون کوچک و باریک است، خیلی زود مانده و زمین گیر می‌شود. لذا شرح صدر، سعه ی صدر، دریادلی یکی از اخلاقیات لاینفک یک مبلغ است که در پیاده کردن آموزه های دینی در همه ی عرصه ها به خصوص در عرصه ی اجتماعی نقشی اساسی داشته است، بنابراین مبلغ پیوسته باید در پی تمرین کسب آن باشد و از خداوند منان طلب سعه ی صدر بنماید.<sup>۳</sup>

## ۲,۳. صبر و بردباری

صبر و بردباری بر خلاف آنچه که دشمنان شرانغ الهی و به ویژه اسلام برای آن معنی باطلی تراشیده اند، یکی از ابزارهای مهمی است که باید مبلغان الهی و ناصحان بشری به آن مجهز باشند. تفسیر صبر به تو سری خوردن و سکوت در مقابل ظالم و ستمگر، معنی باطلی است که برای آن تراشیده شده تا این شیوه اخلاقی را در انظار، بد و ناشایسته جلوه دهند؛ در حالی که حقیقت صبر همان استقامت و تحمل رنج برای دست یافتن به اهداف و آرمانهای متعالی است و انسان بدون چنین شیوه ای، به آرمان

---

۱. همان.

۲. محمد موحدی نژاد، راز دعوت، تهران: نشر نماز ستاد مرکزی اقامه نماز، ۱۳۸۴، ص ۳۸.

۳. مرتضی فدایی، مقاله حسن خلق در تبلیغ، ساعت ۲ بعدازظهر، ۱۳۹۴/۵/۱۵.

های بلند دست نمی یابد و لذا در آیات جهاد روی عنصر صبر تکیه می شود و یک فرد مجاهد بدون استمداد از آن، نمی تواند بر دشمن پیروز گردد. سرباز سست اراده و کم استقامت در همان لحظات نخست فرار را بر قرار بر می گزیند و سنگر را به دشمن تحویل می دهد.<sup>۱</sup> و گواه روشن بر اینکه صبر به معنی استقامت است، نه تحمل زور، این است که در دعوت به صبر، مسئله مرزبانی نیز که بدون استقامت ممکن نیست، مطرح شده است؛ چنان که می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا؛<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید! استقامت کنید و [در برابر دشمنان] پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) برای تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام در مقابل سیل بدگویی ها و تهمت ها به سحر و جادو، ضلالت و گمراهی، سفاهت و انحراف و... به امر خدای متعال راه صبر و استقامت پیشه نمود و در این امر موفق گردید.<sup>۳</sup> چنین شخصیت بزرگی با بردباری از مردمی که به دور از فضایل اخلاقی بوده و به غارت و بت پرستی، شراب خواری، زنا و خیانت افتخار می کردند، انسان هایی ساخت که واجد عالی ترین مقامات انسانی شدند. با این که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) صدمه دید و گرفتار اذیت و آزار مخالفان گردید ولی در عین حال نه تنها آنان را نفرین نکرد بلکه از خداوند برای آنان طلب هدایت می کرد. این یک راه کار بزرگ برای پیشبرد مقاصد تبلیغی است که ما پیام گزاران باید از آن سرمشق بگیریم.

عنصر صبر و شکیبایی در کار تبلیغ، عنصری است اساسی و سازنده. مکارم اخلاقی، بیشتر از صبر برمی خیزد بدون صبر، همانند پیکر بدون سر است. مبلغان در امر تبلیغ، بیش از هر چیز، به این صفت نیازمندند زیرا همواره در برابر افکار منحط و خرافات جاری در جامعه و با افراد سودجو و زورگو، که

---

۱. جعفر سبحانی، جاوید قرآن، ج ۱۰، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، پاییز ۱۳۷۰، ص ۳۴۷ - ۳۵۴.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۳. محمد موحدی نژاد، همان، ص ۳۲.

با تعمیق ارزش‌ها منافعشان به خطر می‌افتد، روبرو می‌شوند و بدون صبر و مقاومت نمی‌توانند بر آنان فائق آیند. آنان، چون (تواصی به حق) می‌کنند، شایسته است که به (صبر در راه حق) نیز، متخلق باشند.<sup>۱</sup>

هیچ کاری بدون زحمت صورت نمی‌گیرد. همه فعالیت‌های انسان، هر کدام به نوبه خود دارای زحمات و مشکلاتی هستند که باید با آنها دست و پنجه نرم کرد. کارهای فرهنگی نیز دارای مشکلات خاص خود هستند. یک مبلغ که می‌خواهد با فراهم کردن بستری مناسب کار تبلیغی فرهنگی خود را انجام دهد، بی‌شک با مشکلاتی روبرو خواهد شد. چه از لحاظ امکانات رفاهی برای زندگی و چه برای کار تبلیغی. آنچه که مهم است، این است که می‌خواهد ادامه دهنده راه سفرا و اولیای الهی باشد که با تمام وجود در برابر هجمه‌های سیاسی و اجتماعی پایداری کرده، مدال زرین «صبر در مقابل سختی» را زینت بخش خویش کردند.<sup>۲</sup>

گاه اتفاق می‌افتد که یک مبلغ توانمند در اثر دعوای قومی، قبیله‌ای، حزبی، سیاسی و... ناخواسته از طرف برخی از گروه‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد. توصیه حضرت امیر (علیه السلام) این است که «علیکم بالصبر فان الصبر من الایمان کالراس من الجسد»<sup>۳</sup> صبر و استقامت را پیشه خود سازید زیرا بدون تردید، نسبت میان صبر و ایمان، همان نسبت میان سر و بدن است.»

نمی‌توان انتظار داشت که همه مردم به یکباره به انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها مبادرت ورزند. از این رو تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی صورت می‌گیرد، باید به تدریج انجام شود، تا مردم طاقت پذیرش آن را داشته باشند. پیام‌گزاران دین همچون طبیب‌هایی هستند که می‌خواهند بیماری‌های

---

۱. مقاله اخلاق مبلغ، مجله حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، شماره ۳۹.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، صفات الشیعه، تهران: علمی، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۲. «وصیرا فی شده؛ در هنگام سختی و گرفتاری صبور و بردبارند.»

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، همان، حکمت ۸۲.

اخلاقی و فکری جامعه را مداوا کنند. پس باید با حوصله، دقت و تأنی کار خود را انجام دهند و در صدد نباشند یک شبه راه صدساله را طی کنند. باید بدانند تبلیغ تدریجی همراه با صبر و استقامت رمز موفقیت آنهاست و می‌توانند از این طریق بسیاری از مشکلات را حل کنند.<sup>۱</sup>

طلبه ای که به عنوان تبلیغ و مبلغ در وادی مقدس علم و دانش و وارستگی وارد شده برای رسیدن به هدف هایی که مورد علاقه اوست باید صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و موانعی که وجود دارد را داشته باشد؛ زیرا صبر نیرو بخش، قدرت آفرین، و اراده پرور است. قدرت اراده در افرادی که صبر را پیشه خود ساخته اند قوی است و با قوی شدن قدرت اراده مشکلات و سختی ها به راحتی حل می‌شوند.<sup>۲</sup> در بیانات ایراد شده توسط رهبر معظم انقلاب (مدظله الشریف) همچنین به وجود این عنصر اخلاقی مهم اشاره شده که چنین فرموده اند:

«امروز طلاب و روحانیون ما (مبلغین)، مشکلات بسیاری دارند؛ مشکلات مادی دارند؛ مشکلات حیثیتی دارند؛ سختی های گوناگون دارند؛ محرومیت هایی دارند؛ منتها اینها، در راه این هدف بزرگ، صفر است. هیچ مجموعه ای بدون دست و پنجه نرم کردن با مشکلات نتوانسته است یک نقش اثرگذار و ماندگار ایفا کند و به وجود بیاورد. طبیعت بشر این طور نیست که با راحت طلبی و برخورداری از آسایش مطلق بتواند به جای والایی دست پیدا کند؛ سختی ها را باید تحمل کرد؛ این همان سمت گیری به سوی رضای الهی و نقش آفرینی در سعادت یک جامعه است.

خدای متعال وعده کرده است که اگر جماعتی در راه او مجاهدت و ایستادگی کنند و دارای ایمان باشند، قطعاً به هدف خواهند رسید؛... خدای متعال راه را جلوی پای انسان می گذارد و قدم به قدم دست انسان را می گیرد. وقتی هدف، خدا بود، «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا»<sup>۳</sup>. عمده، وجود

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۹. (با اندکی تغییر)

۲. اکرم حاجی قاسمی دهقی، اخلاق طلبگی، ساعت ۲ بعدازظهر، ۱۳۹۴/۵/۱۵،

<http://morsalat.ir>

۳. عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

این انگیزه و این ایمان است؛ وارد میدان شدن و تلاش کردن است. هر جا این باشد، موفقیت بدون تردید حاصل خواهد شد.<sup>۱</sup> بنابراین مبلغی که پیرو رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است باید همچون رهبرانش که در راه ترویج دین مامور به صبر و استقامتند، صبر را پیشه خود سازد. چنانچه تبر شاید با دفعه ی اول چوب را نشکند و یا میخ با ضربه ی اول به دیوار فرو نرود و یا تیشه برای اولین بار قند را نشکند، ولی اگر با صبر و حوصله دنبال گردد، به نتیجه می رسد.<sup>۲</sup>

## ۲،۴. عفو و گذشت

از دیگر موارد اخلاق یک مبلغ که تاثیر بر ترویج آموزه های دینی دارد نقش عفو و گذشت می باشد. عفو به معنای گذشتن از گناه و ترک کیفر آن است و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است.<sup>۳</sup> ولی راغب در مفردات این معنی را ریشه اصلی نمی داند و معتقد است که عفو به معنای قصد گرفتن چیزی است و به همین مناسبت به وزش بادهایی که منجر به ویرانی و گرفتن چیزی می شود، این واژه اطلاق شده است و اگر به محو کردن، عفو اطلاق می گردد به خاطر این است که آن هم نوعی قصد بر گرفتن چیزی است.<sup>۴</sup>

و از جانب دیگر ذات پروردگار متعال مصداق کامل حقیقت وفاق و سلامت و صلح و رفاقت و راستگویی در گفتار و عمل است، و در اثر این ذاتیات حضرت دوست، از او صفات رحمت و عطف و کرم، (عفو و گذشت) و .. ظاهر می شود، در ذات او حتی یک ذره صفات بغض و غضب

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه ی آیت الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۱.

۲. محمد موحدی نژاد، همان، ص ۳۲.

۳. محمدبن مکرّم ابن منظور، همان، ج ۹، ص ۲۹۴

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، قم: طلیعه نور، ۱۴۲۶، ماده عفا.

و دشمنی و کینه و... وجود ندارد<sup>۱</sup> و طبق فرازی از دعای جوشن کبیر، «ای کسی که رحمتش وسیع‌تر از هر چیز است، ای کسی که رحمتش بر خشمش سبقت گرفته است.»

بر اساس همین رحمت و اسعه و سبقت آن بر غضب، سر لوحه تبلیغی عموم انبیا و پیامبران را نیز بشارت و دلگرمی دادن مردم به عفو و گذشت قرار داده و ترساندن از عذاب قبر و قیامت را بعد از بشارت و امید قرار داده است.<sup>۲</sup> به یقین، مدارا و خوش‌خلقی و (عفو و گذشت) مبلغین بزرگ اسلام در طول تاریخ، مهم‌ترین عوامل گسترش اسلام و جذب مردم به دینداری بوده است.

روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مشرکان مکه همانان که سال‌ها به آزار و شکنجه مسلمانان پرداخته و آنان را از خانه و کاشانه خود بیرون کرده بودند پیروز شد، با بیان محبت‌آمیز «لا تشریب علیکم الیوم»<sup>۳</sup> امروز هیچ‌گونه سرزنش و توبیخی بر شما نیست. «(فرمان عفو عمومی را صادر فرمود).

نتیجه این عفو کریمانه، گرویدن دسته دسته مردم به اسلام بود: «و رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»<sup>۴</sup> و مردم را ببینی گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند.»

از این رو، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»<sup>۵</sup> از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند بنا

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ص

۱۹۲ - ۱۹۳.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹۱، ص ۳۸۶.

۳. یوسف (۱۲)، آیه ۹۲.

۴. نصر (۱۱۰)، آیه ۲.

۵. آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

بر این آنها را عفو کن و برای آنها طلب آمرزش نما و در کارها با آنها مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»

کسانی می توانند به این فضیلت دست یابند که دارای اراده ای قوی و عزم پولادین باشند و به گونه ای که هیجانانگیز، ایشان را به تصمیم گیری وادار نمی سازد، بلکه بر اساس منطق الهی تعامل می کنند؛ در حقیقت صفت الهی فقدان نفسانیت در آنها به گونه ای دیگر تجلی می کند و با آن که دارای نفس و هواهای نفس و تجلیات هیجانی آن هستند، اما چنان خدایی شده اند که دیگر تحت تاثیر هیجانانگیز نفسانی عمل نمی کنند و تصمیم نمی گیرند.<sup>۱</sup> از این رو این افراد به عنوان صاحبان عزم ستوده و معرفی می شوند.<sup>۲</sup>

بنابراین بخشش و عفو گنهکاران و مجرمان، از سوی پروردگار مهربان و بشارت و اعلام این عفو و گذشت به آنان، لازمه رحمت پروردگار است، اما ممکن است چنین تصور شود که سنت عفو و گذشت گنهکاران و مجرمان، موجب ازدیاد جرم و گناه خواهد شد، پس بهتر بود عفو و گذشت در اسلام مطرح نبود و یا اگر مطرح بود از سوی خداوند متعال به مردم ابلاغ نمی شد و فقط آیات غضب و مجازات مطرح می شد تا دارای اثر بازدارندگی بیشتری باشد؟

در جواب این اشکال و تصور، باید گفت:

اولاً: عفو و گذشت، از رحمت پروردگار سرچشمه می گیرد و رحمت واسعه هم از صفات ذاتی حضرت احدیت است، پس نبود عفو و گذشت در اسلام خلاف مقتضای ذات پروردگار خواهد بود و بروز خلاف مقتضای ذات از یک شیء نشانگر تبدل و دگرگونی خود ذات می باشد که در خداوند هرگز تبدل و دگرگونی وجود ندارد، بلکه محال است.

---

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۳۴؛ مائده (۵)، آیه ۱۳.

۲. شوری (۴۲)، آیه ۴۳.

ثانیاً: اعلام آیات غضب و بیان مجازات‌های سنگین برای مجرمان و گنهکاران بدون ذکر آیات رحمت و عفو و گذشت نه تنها موجب بازدارندگی نمی‌شود، بلکه سبب انجام جرم و جنایت بیشتر و هرج و مرج در جامعه می‌گردد؛ زیرا هر انسان مجرم و گنهکار پس از انجام چندین بار گناه، به یقین، خود را مشمول غضب و عذاب الهی خواهد دید و چون راهی برای عفو و بخشش در پیش رو ندارد، دچار یأس و ناامیدی می‌گردد و آن‌گاه که خود را در پرتگاه و سقوط حتمی به سوی عذاب و عقاب الهی دانست، با القانات شیطانی و نفسانی و تداعی همان مثل معروف «آب که از سر گذشت چه یک و جب چه صد و جب»، از انجام هیچ‌گونه جرم و جنایتی فرو گذار نخواهد کرد و نه تنها خویشتن را به نابودی ابدی می‌کشاند، بلکه چه بسا جامعه را دچار مشکل و دردسر می‌نماید.

اما وقتی بندگان مجرم و گنهکار، علاوه بر گزینه عذاب و مجازات، گزینه عفو و گذشت را نیز پیش رو داشته باشند، همیشه به حالت خوف و رجا به سر می‌برند. ای بسا امیدوار شده سعی و تلاش می‌کنند کمتر مرتکب گناه و نابهنجاری شوند و با دعا و تضرع به پیشگاه خدای مهربان رو آورده و به امید عفو الهی و نجات از عذاب، نه تنها اسراف و زیاده‌روی در گناه و جرم نمی‌کنند، بلکه در بسیاری از مواقع نیز به کلی از گناه و جرم دست کشیده و به راه راست قدم می‌گذارند و در پی اصلاح خود و جامعه برمی‌آیند.<sup>۱</sup>

البته گذشت و عفو در زمانی پسندیده است که اصل دین یا ایمان مردم در خطر نباشد؛ بنابراین می‌توان برای عفو و گذشت نیز خط قرمزی را مشخص کرد و اینگونه نیست که انسان در هر چیزی عفو و گذشت داشته باشد بخصوص در مسائل اجتماعی و مربوط به حقوق مردم و جامعه و دین، گذشت عملی خائنانه خواهد بود. همان‌گونه که خداوند برخی از گناهان را به شدت در همین دنیا عقوبت می‌کند و برای آخرت نمی‌گذارد، باید شخص خطاکار در امور دین و اجتماع را به سرعت مجازات کرد. امام علی (علیه السلام) در بیان خط قرمز عفو می‌فرماید:



«جَازَ بِالْحَسَنَةِ وَتَجَاوَزَ عَنِ السَّيِّئَةِ مَا لَمْ يَكُنْ ثَلَمًا فِي الدِّينِ أَوْ وَهَنًا فِي سُلْطَانِ الْإِسْلَامِ؛<sup>۱</sup> (بدی یا خوبی را) به نیکی پاداش ده و از بدی در گذر، به شرط آن که به دین لطمه ای نزند یا در قدرت اسلام ضعفی پدید نیاورد.»

آن حضرت به مؤمنان هشدار می دهد که در اجرای قاعده عفو و گذشت به این نکته توجه داشته باشند که هر دفعه هر کسی و هر عملی نمی بایست این قاعده را اجرا کرد؛ چرا که گاه این امر می تواند موجبات تشدید خلافکاری های شخص شود و نابهنجاری را در جامعه افزایش دهد. از این رو هشدار می دهد و می فرماید: «ألْعَفْوُ يَفْسُدُ مِنَ اللَّئِيمِ بِقَدْرِ إِصْلَاحِهِ مِنَ الْكَرِيمِ؛<sup>۲</sup> عفو و گذشت به همان اندازه که در اصلاح شخص بزرگوار موثر است شخص فرومایه را تباه می کند.»

پس روشن است که آنچه در مورد عفو و گذشت بیان شد بیشتر ناظر به مسائل و مراودات شخصی افراد جامعه است نه مسائل کلان جامعه و دین.

یکی از اثرات قابل توجه در مورد عفو و گذشت این است که معمولاً هرگاه کسی بدی کند، انتظار مقابله به مثل را دارد، اما هنگامی که آدمی می بیند که طرف مقابل، نه تنها بدی را با بدی پاسخ نمی دهد، بلکه با خوبی و نیکی برخورد می کند، طبعاً طوفانی در وجودش برپا می شود و وجدانش بیدار می گردد و برای طرف مقابل، شخصیت و بزرگی قائل می شود، این جاست که سردی تنفر و کینه به گرمی محبت و صمیمیت می گراید و این، از آثار مهم عفو و احسان است.

قرآن کریم این واقعیت را چنین بیان می کند:

---

۱. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۴۱۹.

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ\* وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»<sup>۱</sup> هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با شیوه‌ای بهتر دفع کن که در این صورت، آن که با تو دشمنی دارد، بسان دوستی صمیمی گردد و این خصلت را جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند، نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ (از ایمان و تقوا) نخواهد یافت.»

تعبیر «كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» در آیه، به این مطلب اشاره دارد که اگر طرف مقابل واقعاً در صف دوستان صمیمی هم درنیاید، دست کم، در ظاهر، دست از دشمنی برمی‌دارد.<sup>۲</sup>

در جامعه، افرادی هستند که بر اثر نادانی یا غرض‌ورزی، پیوسته آزار و اذیت دیگران را موجب می‌شوند. برخورد متقابل با این گونه افراد، غالباً اثر معکوس دارد و بر لجاجت و خشونت آنان می‌افزاید، در حالی که تحمل و مدارا، تنها راه در امان ماندن از شر آنان است.

بنابراین یک والد، مربی، معلم، و در کل یک مبلغ زمانی می‌تواند اثر قابل توجهی بر مربی خود بگذارد که قبل از به کار بردن تنبیه و خشونت، ریشه و عقیده غلط او را مداوا کرده و در کنار آن با گذشت و بخشش، قلب او را تسخیر کرده و راهبری مورد اعتماد جهت موفقیت و پیشرفت مربی خود در عرصه‌ی دین و زندگی باشد.<sup>۳</sup>

---

۱. فصلت (۴۱)، آیه ۳۵-۳۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳.

۳. جواد ایروانی، خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله الهیات و حقوق، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱۷، صفحه ۱۵۱ تا ۱۸۶.

## ۲,۵. نصح و خیرخواهی

یکی دیگر از ویژگی های اخلاقی در مبلغین نصح و خیرخواهی است، واژه «نصح» و «نصیحت» در زبان روزمره فارسی معمولاً به معنای اندرز به کار می رود؛ ولی در لغت عرب چنین نیست و مفهوم وسیع و گسترده ای دارد.

روشن است که نصیحت به معنای اندرز در مورد خدا و رسول او (صلی الله علیه وآله وسلم) معنی ندارد و معلوم می شود مراد از آن خیرخواهی است.

راغب اصفهانی می گوید: «نصح و نصیحت، هر کار یا هر سخنی است که در آن مصلحت صاحب عمل و سخن باشد ... و این واژه یا در اصل به معنای خلوص و اخلاص است؛ لذا به عمل خالص «ناصح» می گویند و یا به معنای اصلاح نمودن و محکم کاری است که به کار خیاط «نُصِح» می-گویند؛ به خاطر اصلاح و محکم کاری که بر روی پارچه انجام می دهد ... و توبه نصح هم یا به معنای توبه خالص است و یا توبه محکم و پایدار.»<sup>۱</sup>

از آنجا که شخص خیرخواه از روی خلوص و اخلاص در کار دیگران می کوشد و یا دنبال اصلاح و محکم کاری در امور دیگران است، واژه نصح و نصیحت درباره او به کار می رود.

و هرگاه این واژه در بحث اخلاقی به کار رود، درست نقطه مقابل حسد قرار دارد. نصح در اخلاق یعنی خیرخواهی و اینکه انسان نه تنها خواهان زوال نعمت از دیگران نباشد، بلکه خواهان بقای نعمت و فزونی آن برای همگان باشد و خلاصه هر آنچه از خیر و خوبی و سعادت برای خود می خواهد، برای دیگران نیز بخواهد.<sup>۲</sup>

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۰۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۲، قم: مدرسه امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۱۴۸، حدیث ۲.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند:

«النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ؛<sup>۱</sup> خیر خواهی از انسان حسود (نسبت به دیگران) محال است.»

منظور محال عادی است؛ یعنی معمولاً انسان حسود خیرخواه مردم نیست؛ نه محال عقلی؛ چون ممکن است در موردی بر اثر انفعال و... حسود هم بتواند خیر خواهی کند.

پیامبران الهی خیر خواهان امت ها بودند و یکی از صفات بارز آنها همین موضوع بود. قرآن مجید از زبان «نوح» شیخ الانبیاء چنین نقل می کند که به قوم خود فرمود:

«أُبَلِّغُكُمْ رِيسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛<sup>۲</sup> رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی (از لطف و مرحمت و عنایت) می دانم که شما نمی دانید.»

مبلِّغ موفق کسی است که در گفتار و سخنش خلوص داشته باشد؛ چراکه او ناصحی دلسوز و خیرخواه باید باشد. کسی می تواند مبلِّغ پیام خدا باشد که در سخنش خلوص باشد؛ یعنی هیچ انگیزه- ای جز رضای الهی و خیر و مصلحت مردم نداشته باشد و تبلیغ را ابزار معرفی خود، رسیدن به مقام و قدرت، کوبیدن رقیب و جذب آرای مردم قرار ندهد. مبلغان و واعظان با توجه به این ویژگی: -شفقت و [خیر خواهی] خود را شامل همه می کنند. در این صورت به افراد گناهکار، عصیانگر و فاسد نیز از روی ترحم و خیر خواهی نگاه می کنند و یک مبلغ نمی تواند شاهد گمراهی، فساد، معصیت و ننگون- بختی او و مشکلات روحی و معنوی، و نیز گرفتاریهای مادی زندگی مردم باشد. او بسان پدر در خانواده است؛ در نتیجه همان گونه که پدر نسبت به سرنوشت فرزندان و روحیه و عواطف و ناراحتیهای آنها حساس است و تمامی هم خود را صرف رفع گرفتاریها و تامین نیازهای روحی و

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۱۹۴.

۲. اعراف (۷)، آیه ۶۲.

عاطفی آنان می‌کند؛ روحانی نیز باید در قبال مردم، احساس مسئولیت پدرا نه داشته باشد و آنها را همچون فرزندان خود، مورد توجه قرار دهد و به امور آن‌ها رسیدگی کند. بنا بر این مردم باید احساس کنند که مبلغین چیزی جز خیرخواهی و عاقبت بخیری آن‌ها را خواستار نیستند، و در پی رسیدن به خواسته و هدف‌های خود نباشند، آنها نیز برای موفقیت و تکامل خود تلاش می‌کنند و این خیر - خواهی‌ها سبب جذب دل مردم می‌شود. اما اگر این به عکس باشد و مردم احساس کنند که مبلغین هدفی جز رسیدن به خواسته‌های خود دارند، نه تنها نصیحت‌های مبلغین اثر نکرده بلکه موجب بدبینی مردم به آن‌ها شده و عمل به آموزه‌های اخلاقی همچنان در رکود می‌ماند.

در نتیجه مبلغ ناصح و خیرخواه بهترین دارایی خود (دانش و علم) را به او هدیه می‌کند تا او راه سعادت و نجات را بیابد و از برکات نصیحت، ارشاد و تبلیغ بهره‌مند گردند. از این رو است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید:

«نصیحت و خیرخواهی برای مومن، بر مومن واجب است.»<sup>۱</sup>

بنابراین اساساً اسلام، روابط بین مربی و مردم را به گونه‌ای می‌پسندد که کسی که نقش هدایت جامعه را به عهده می‌گیرد، بر اساس خیرخواهی و دلسوزی با افراد رفتار کند، و مردم، نیز بر اساس عشق و محبت، گوش جان به مربی خود بسپارند و در جاهایی که لازم است از او پیروی کنند. اگر (مبلغین) انتظار چنین عشق و محبتی را از مخاطبین خود دارند، باید هر چه بیشتر خیرخواه آنها باشند؛ زیرا همین خیرخواهی است که بذل محبت را در دل افراد می‌پاشد. حضرت علی (علیه السلام) این واقعیت را در یک جمله کوتاه اینگونه مطرح می‌فرماید:

«النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوُدَّ؛<sup>۱</sup> خیرخواهی محبت را به ارمغان می‌آورد.»

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، أصول الکافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۳، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی،

در نتیجه سبب ترویج آموزه های دین در سطح جامعه خواهد شد.

## ۶-۲. مردمی و دلسوز بودن

اساس و قوام زندگی اجتماعی مبتنی بر نوع دوستی، محبت به یکدیگر، عشق، علاقه و احترام است و رحم و شفقت و دلسوزی نسبت به دیگران، در فطرت پاک انسان ها، به ودیعه نهاده شده است. در شریعت جهانی اسلام تاکید زیادی بر محبت و دوستی شده و به عنوان رکن مهم و اصلی ایمان مطرح گردیده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«هل الايمان الا الحب والبغض في الله؛ آیا ایمان جز دوستی و دشمنی در راه خداست؟»

چه زیباست که این گوهر گران بها و پر قیمت زندگی را نثار مومنان و یکتا پرستان کنیم. و کیمیای عشق و علاقه خود را از آنان دریغ نوزیم و کارسازترین شیوه در تبلیغ و ارشاد، محبت و دلسوزی است. بزرگترین معجزه یک مبلغ، در مهربانی و نیک دلی او نهفته است. پایه و اساس تربیت دینی، پرورش اخلاقی، تزکیه و تهذیب نفوس، هدایت و ارشاد و...، دوستی با مردم و ابراز عشق و علاقه به آنان است. به یقین می توان گفت که: «تبلیغ و ارشادی که همراه با محبت و شفقت باشد، بهترین و ماندنی ترین آثار را به جای خواهد گذاشت.»

مبلغان باید با رفتار و گفتار خود ثابت کنند که وعظ و نصیحت و تبلیغ آنان، نه از سر مال دوستی و مقام خواهی است و نه از سر دشمنی و سخت گیری؛ بلکه تنها از روی شفقت، دلسوزی و علاقه به زندگی سعادت‌مندان، اخلاقی و معنوی برای مردم است.

---

۱. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۲۴.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ص ۶۴، ص ۵۲.

محبت و شفقت جایگاه والایی در سخنان و سفارش های قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، امامان معصوم (علیهم السلام)، عارفان و دانشمندان دینی دارد. قرآن کریم، بارها به این ویژگی پسندیده و انسانی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اشاره کرده و آن را باعث موفقیت و کامیابی آن حضرت در هدایت مردم تلقی کرده و ایشان را (دلسوز)، رئوف و تشنه هدایت دانسته است:<sup>۱</sup>

«لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رووف رحیم؛<sup>۲</sup> قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مومنان، دلسوز مهربان است.»

مبلغ مردمی کسی است که برای خود امتیازی نسبت به مردم قائل نیست و در زندگی اجتماعی مانند کمک کردن در کارها، استفاده از امکانات اجتماعی و اقتصادی و انتخاب مکان نشستن با دیگران یکسان است. می داند که کار کردن و کمک کردن به دیگران در کارهای اجتماعی هیچگونه منافاتی با شأن علمی و تبلیغی او ندارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در سفری، همانگونه که اصحاب هر یک به کاری مشغول شدند، تهیه ی هیزم را برای پختن تقبل فرمودند و متذکر شدند:

«ان الله یکره من عبده ان یراه متمیزا بین اصحابه؛<sup>۳</sup> خداوند متعال زشت می دارد که بنده ای در بین دوستانش، برای خودش امتیازی قائل باشد.»

خداوند می فرماید :

---

۱. مقاله تبلیغ آینه محبت و عشق ورزی، مجله مبلغان، اسفند ۱۳۸۰، شماره ۲۶.

۲. فصلت (۴۱)، آیه ۶.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

«به تحقیق آنان که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند؛ خداوند بخشنده، برای آنان محبتی [در نزد دیگران] قرار می دهد.»<sup>۱</sup>

یعنی خداوند چنین افرادی را محبوب قلوب دیگران قرار می دهد . و این بیانگر این نکته است که با دوستی و محبت ، بهتر می توان عقاید و افکار دینی را بین مردم رواج داد. حتی بیشتر از خشونت و تندخویی؛ زیرا خشونت موجب تنفر است، ولی محبت، الفت آور می باشد.

روشن است که اگر تبلیغ و وعظ، حالت شفقت و دلسوزی به خود گیرد، کارساز تر و موثرتر خواهد افتاد زیرا:

۱- مبلغ محبوب قلوب مردم می شود؛

۲- تبلیغ از روی حقد، کینه، دشمنی و ستیزه جویی نیست؛

۳- برای پول ، شهرت و دنیا نمی باشد؛

۴- برای آزار و اذیت یا تحکم و فرمان دادن نیست؛

۵- از روی خود خواهی، غرور و حقیر پنداشتن دیگران نیست؛

۶- صرف انجام وظیفه نیست و فراتر از آن است؛

۷- امری انسانی، الهی و از سر نوع دوستی و خیر خواهی است.

البته این امر، مستلزم آن است که مبلغ با بیانی نرم و توأم با عطف با مردم... [حتی گناه کاران و مفسدان] سخن گوید و از درشت گویی، دشنام و تحقیر دیگران و یا رفتارهای ریا کارانه بپرهیزد. علاوه بر این موارد، مبلغ جهت موفقیت و ترویج آموزه های دین باید بداند مردم، بویژه گرفتاران و دردمندان ، نیازمند احوالپرسی ، رسیدگی، سرکشی و در یک کلمه ( تفقد ) ند. گاهی یک احوالپرسی



و سلام، شادابی روح و نشاط زندگی فراوانی (برای هر دو طرف) پدید می‌آورد. گاهی سر زدن به همسایه و عیادت یک بیمار و شرکت در یک مجلس ختم یا عروسی، مبدأ بسیاری از دوستیهای ماندگار می‌شود. پرسیدن از گرفتاری‌ها و مشکلات دیگران و تلاش در حل و رفع آنها، در دل‌ها را به روی انسان می‌گشاید. پس چه باید کرد؟ روشن است: با مردم زیستن، با همسایه‌ها و همشهری‌ها و همکاران و معاشران و هم‌نوعان، جوش خوردن، انس گرفتن، در رنج و راحت دیگران شریک شدن، فاصله‌ها را با دیگران کوتاه کردن، قطع رابطه را به (آشتی) بدل کردن، اختلاف‌ها و کدورت‌ها را زدودن و ... اینها همه (عمل صالح) است و خداوند چنین نیکوکاران را دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

از نقاط بسیار حساس در اخلاق اسلامی حس تعاون و تعاضد و خدمت به مردم بخصوص خدمت به مؤمنان و صالحان است. از مجموعه تعالیم اسلامی و سیره اولیاء ((صلی الله علیه و آله وسلم)) استفاده می‌شود که پس از ادای فرایض، بالاترین وسیله برای تقرب به خداوند متعال این خصلت نیکوست. اولیای خداوند همواره در خدمت مردم بودند و شخصاً در رفع حوائج آنان اقدام می‌کردند. از قرآن مجید استفاده می‌شود که آنچه به سود مردم باشد پایدار و جاوید خواهند بود و آنچه سودمند نباشد، مانند کف بر روی آب، به زودی از میان می‌رود و اثری از آن باقی نمی‌ماند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«مردم عائله و جیره خواران خداوندند. محبوب‌ترین آنها نزد خدا کسی است که سودش به عائله

خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند.»<sup>۲</sup>

---

۱. مقاله مردم‌داری، مجله پیام زن، مهر ۱۳۷۶، شماره ۶۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۶۴، حدیث ۵.

بعضی از مردم گمان می‌کنند که عبادت تنها به نماز خواندن و روزه گرفتن است و پاره ای از اینان به حدی در غفلت و نادانی و خودخواهی فرو رفته اند که اگر در برابر دیدگانشان مردم از گرسنگی جان دهند هیچ متاثر نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین مبلغین در جهت جذب قلوب اکثریت قشرهای جامعه خصوصاً قشر آسیب پذیر جوان و بعد از آن مستمندان و ضعیفان جامعه گوشه شنوا و قلبی درد آشنا و همتی مضاعف داشته باشند تا با یاری خدای رؤف با به کار گیری محبت و دلسوزی زمینه پذیرش پیام ها را در مخاطبانشان فراهم سازند.

بنابراین می توان گفت که رعایت خوش خلقی، رأفت و دلسوزی، عفو و گذشت، نصیح و خیرخواهی افراد، صبر و استقامت و طلب شرح صدر نسبت به زمان و شرایط به ترویج آموزه های دینی در اجتماع تاثیر بسزایی دارد.

---

۱. محمدرضا مهدوی کنی، همان، ص ۳۹.

## نتیجه گیری

گسترده ترین ارتباط انسان، ارتباط و تعامل با افراد جامعه خویش است و در این تعامل، انسان ها دائماً در حال تاثیر پذیری و یا تاثیر گذاری می باشند در این میان مبلغان دینی که نقش عمده ای در تاثیر گذاری در فرهنگ جامعه دارند، برای گسترش و نشر افکار آسمانی و آگاه ساختن مردم به آموزه های دینی، نیازمند ابزار مهمی همچون اخلاق در امر تبلیغ می باشند.

نقش اخلاق مبلغ در ترویج آموزه های دینی در دو حوزه فردی و اجتماعی از مهم ترین صفات مبلغ می باشد.

در حوزه فردی این که فرد مبلغ با نیت خالص و در کمال فروتنی و ساده زیستی و با برنامه ریزی هدفمند، با رعایت آراستگی و با درایت کامل در تمام سخنان و تبلیغات خود پیشگام در عمل باشد. در حوزه اجتماعی با رعایت خوش خلقی و با رأفت و دلسوزی و عفو و گذشت به نصیح و خیر خواهی افراد پرداخته و با صبر و استقامت و طلب شرح صدر نسبت به زمان و شرایط به ترویج آموزه های دینی در اجتماع می تواند بپردازد تا تبلیغی موثر را نتیجه دهد.

## منابع

- قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام

## کتاب فارسی

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علیّ (علیه السلام)، ۱۳۸۲ ش.
۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد، کیمیای سعادت (ترجمه طهاره الاعراق)، تهران: نشر نقطه، ۱۳۷۵
۵. اتکینسون، آر. اف، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی‌نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.
۶. برخوردار فرید، شاکر، آفات الطلاب، تهران: لاهوت، ۱۳۸۵.
۷. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی؛ علی حکیمی؛ احمد آرام، الحیاء ترجمه احمد آرام، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، غلامرضا خسروی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۹. رهبر، محمدتقی، پژوهشی در تبلیغ، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۰. سبحانی، جعفر، منشور جاوید قرآن، ج ۱۰، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، پاییز ۱۳۷۰.

۱۱. طباطبایی، محمدبن حسین، المیزان، ترجمه محمد باقرهمدانی، ج ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. فروغی، محمدعلی، آئین سخنوری، ج ۲-۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۸.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج ۳، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۴. -----، گزیده کافی، محمد باقر بهبودی، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. کی فرانکنا، ویلیام، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم: موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۶.
۱۶. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه منوچهر بزرگمهر، ج ۷، تهران: انتشارات فرهنگی و علمی، ۱۳۸۶.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، فرهنگ نامه بصیرت، مترجم حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۲.
۱۹. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)، تهران: صدرا، ۱۳۶۳.
۲۰. -----، حماسه حسینی، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۲۱. -----، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، دروس فلسفه اخلاق، ج ۳، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۲۴. -----، پیام قرآن، ج ۲، قم: مدرسه امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۵. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما گروه معارف، نظم و انضباط، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.

۲۶. موحدی نژاد، محمد، راز دعوت، تهران: نشر نماز ستاد مرکزی اقامه نماز، ۱۳۸۴.
۲۷. موگهی، عبدالرحیم، تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۸. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ دوم، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
۲۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، قم: هجرت، ۱۳۸۳.

## کتاب عربی

۳۰. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه. ق.
۳۱. ابن بابویه، محمد بن علی، صفات الشیعه، تهران: علمی، ۱۳۶۲ ش.
۳۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کتب اربعه، محقق علی اکبر غفاری، ج ۴، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۳۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق عبد السلام محمد هارون، ج ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

٣٦. برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق جلال الدين محدث، ج ١، چاپ دوم، قم: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧١ ق.
٣٧. ثانى، زين الدين بن على، منية المرید، محقق رضا مختارى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤٠٩ ق.
٣٨. الجوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، الرابعة، ج ٤، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٩٠ م.
٣٩. تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، محقق مصطفى درائتى، قم: دفتر تبليغات، ١٣٦٦ ش.
٤٠. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، محقق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ٥، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق.
٤١. الزبيدى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٦، بيروت: دار الفكر، بى تا.
٤٢. شريف شيرازى، محمد هادى بن معين الدين محمد، الكشف الوافى فى شرح أصول الكافى، محقق على فاضلى، قم: دار الحديث، ١٣٨٨.
٤٣. شريف الرضى، محمد بن حسين، خصائص الأئمة (عليهم السلام)، محقق امينى و محمد هادى، مشهد: آستان قدس رضوى، ١٤٠٦ ق.
٤٤. شريف شيرازى، محمد هادى بن معين الدين محمد، الكشف الوافى فى شرح أصول الكافى، محقق على فاضلى، قم: دار الحديث، ١٣٨٨.
٤٥. العروسى الحويزى، عبد على بن جمعة، تفسير نور الثقلين، مصحح هاشم رسولى محلاتى، ج ١، چاپ چهارم، قم: اسماعيليان، بى تا.
٤٦. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، ج ٢، چاپ سوم، قم: دار الكتاب، ١٤٠٤ ق.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، محقق عبد الله نعمه، ج ۲، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۵۰. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۲، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
۵۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۵۲. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیه، محقق حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. هاشم، عبد الرزاق بن محمد، مصباح الشریعه، محقق محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، تهران: پیام حق، ۱۳۷۷ ش.
۵۴. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محقق محمد انصاری زنجانی خوئینی، ج ۲، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.

## سایت ها و مقالات

۵۵. مقاله اخلاق مبلغ، مجله حوزه، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، شماره ۳۹.
۵۶. مقاله تبلیغ و مبلغ در اسلام، شمیم یاس، تیر ۱۳۸۶، شماره ۵۲.
۵۷. مقاله شیوه های جذب مخاطب در تبلیغ، مجله مبلغان، آبان و آذر ۱۳۸۷، شماره ۱۰۹.
- مقاله تواضع و فروتنی، مجله طوبی، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳.



۵۸. مقاله تبلیغ آینه محبت و عشق ورزی، مجله مبلغان، اسفند ۱۳۸۰، شماره ۲۶.

۵۹. جواد ایروانی، خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله الهیات و حقوق، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۱۷.

۶۰. مقاله مبلغ و دانش و اندیشه، مجله مبلغان، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۴، شماره ۶۶.

۶۱. اکرم حاجی قاسمی دهقی، اخلاق طلبگی، ساعت ۲ بعدازظهر، ۱۳۹۴/۵/۱۵،

<http://morsalat.ir>

۶۲. مقاله ساختار نظام‌مند مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵،

<http://www.farsnews.com>

۶۳. مرتضی فدایی، مقاله حسن خلق در تبلیغ (قسمت اول)، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵،

<https://rasekhoon.net>

۶۴. محمود بهشتی نژاد، مدیریت تبلیغ (۶)، <http://library.tebyan.net>،

۶۵. مقاله فلسفه اخلاق، ۱۰ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۰، <http://www.tebyan.com>،

۶۶. طوبی، تواضع و فروتنی، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net).

۶۷. مقاله اسرار موفقیت مبلغ از دیدگاه نهج البلاغه (۲)، ۳ بعدازظهر،

<http://www.noormags.ir>

۶۸. مقاله حسن خلق و تأثیر آن بر دیگران، ساعت ۲۲،

[www.rbn.blogfa.com](http://www.rbn.blogfa.com)، ۱۳۹۴/۵/۱۵.

۶۹. بصیرت از نگاه آیات و روایات به چه معنا است؟ و جایگاه بصیرت در مسائل سیاسی جامعه

چیست؟، ۸ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، [www.islamquest.net](http://www.islamquest.net)،

۷۰. مقاله آموزش دین به مردم، ۸ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵، <http://www.hawzah.net/fa>،

۷۱. بررسی رابطه اخلاق با دین از دیدگاه علامه طباطبایی، ۲ صبح، ۱۳۹۴/۵/۲۵،

<http://farsnews.com>

۷۲. محمد قربانی مقدم، شناسایی آفات بصیرت در نهج البلاغه، ۹ صبح، ۱۳۹۴/۴/۲۵،

<http://www.farsnews.com>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.